



## وزیر خارجه‌ی ترکیه از برگزاری نشست صلح افغانستان در ماه اپریل در استانبول خبر داد

صفحه ۲

ترکیه پس از ۸ سال قطع رابطه با قاهره:

تماس‌های دیپلماتیک را

از سر گرفته ایم

صفحه ۶

آموزش خانگی صلیب سرخ؛

جایی که آموزگاران عاشق کار

و دانش آموزان عاشق درس اند



صفحه ۷

از دوحه به آنکارا؛

آیا آمریکا سناریوی

واقع بینانه تری روی دست گرفته؟

صفحه ۸

یادداشت روز

## چراغ معارف را خاموش نکنید

اخیرا احمدضمیر گوارا، رییس معارف شهر کابل مکتوبی را عنوانی مکاتب دولتی و خصوصی صادر کرده است که براساس آن دختران بالاتر از ۱۲ سال از اجرا و خواندن ترانه و سرود در محافل عمومی منع شده بودند. در این مکتوب گفته شده است که مکاتب تلاش کنند گروه‌های ترانه و سرود دانش‌آموزان دختر را طوری تنظیم کنند که در آن اعضای گروه بالاتر از سن ۱۲ سال نباشند. این مکتوب گفته است که شرکت دختران بالاتر از ۱۲ سال در محافلی که شرکت کنندگان آن «صددرصد زنان باشند» مانعی ندارد.

احمدضمیر گوارا و نجیبه آرین، سخن‌گوی وزارت معارف در توجیه این مکتوب گفته‌اند که این تصمیم براساس دریافت شکایات متعدد از شاگردان و والدین آن‌ها گرفته شده است. آقای گوارا گفته است که سال جاری خورشیدی به دلیل کرونا یک سال عادی نبود و برای این که دانش‌آموزان بتوانند به درس‌های خود رسیدگی کنند، این تصمیم گرفته شده است.

اما صدور این مکتوب واکنش‌های گسترده‌ای را در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی خلق کرد. یک روز پس از همگانی شدن این مکتوب...

۲

## نمایندگان دولت افغانستان در نشست صلح مسکو شرکت می کنند



۲

## فرمانده لوای اول قول اردوی ۲۰۵ اتل کشته شد

اطلاعات روز: منابع ارتش در ولایت قندهار تأیید می کنند که مزممل صافی، فرمانده لوای اول قول اردوی ۲۰۵ اتل در این ولایت در درگیری با طالبان کشته شده است...

## وزارت معارف در مقابله با قانون اساسی افغانستان



۳

## یک دادستان در مرکز ولایت پکتیا ترور شد



۲

## تجربه نزدیک به مرگ؛ وقتی می میریم چه اتفاقی می افتد؟

اتفاقاتی که عمدتاً فراموش کرده بود و سپس صحنه‌هایی از اوایل بزرگسالی‌اش، باورنکردنی می آمد. این خاطرات، اگر بتوان نام «خاطره» را بر آن گذاشت، برای گریگ خاطرات زنده و بسیار واضح بودند. آیا او موقع غرق شدن یاد گذشته‌اش افتاده بود؟ فکر نکنم...

تحلیل ۵



## دولت انتقالی صلح؛ رؤیایی که به حقیقت می پیوندد؟

گروه مطالعه افغانستان در گزارش نهایی خود در فبروری ۲۰۲۱، پیشنهادات مشخصی برای خروج مسئولانه آمریکا از افغانستان ارائه کرد. این نهاد در دسامبر سال ۲۰۱۹ با هدف بررسی روند صلح افغانستان، پیامدهای توافق صلح یا عدم دستیابی به توافق و در نهایت واری...

## دمخور جنگ، سیاست و فرهنگ

مرور کوتاه کارنامه جنرالی که شاهد  
مهم‌ترین حوادث افغانستان معاصر بود

نبی عظیمی، از شخصیت‌های نظامی و تأثیرگذار تاریخ معاصر افغانستان بود. عظیمی که به لحاظ فکری به مکتب مارکسیسم گرایش داشت، در تغییرات عمده و تأثیرگذار کشور نقش عمده و به سزا ایفا کرد. او نویسنده کتاب مهم «سیاست و اردو» است. در حوزه کتابت در افغانستان، این کتاب به نوبه خود یگانه است، زیرا اولین کتابی است که نقش ارتش را در سیاست افغانستان به بررسی می گیرد. در کنار این، عظیمی نویسنده رمان‌های «سایه‌های هول» و «واهمه‌های زمینی» نیز است. از این رو، در کنار این که او یک چهره نظامی-سیاسی است یک چهره فرهنگی هم می باشد. نبی عظیمی در تعیین کننده‌ترین اتفاقات چند دهه اخیر نقش داشته است. از جمله در نبرد مشهور جلال‌آباد که میان مجاهدین و...

۳

بسته های ویژه اینترنتی برای  
بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



AFGHANET

ادامه‌یادداشت‌روز

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اعلام کرد که وضع هر نوع محدودیت بر حقوق و آزادی‌های کودکان «خلاف اصول عمومی حقوق بشر، کنوانسیون‌های حقوق کودک و قوانین افغانستان است.» این کمیسیون گفته است که حق آموزش، آزادی بیان و دسترسی به مهارت‌های هنری از حقوق اولیه و اساسی همه‌ی کودکان، بدون تبعیض مبتنی بر سن و جنس است و همه‌ی کودکان دختر و پسر می‌توانند از حقوق‌شان به‌صورت مساویانه و آزادانه در محدوده‌ی قوانین استفاده کنند.

به دنبال گسترش اعتراض‌های مردم در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، ریاست معارف شهر کابل از تصمیم قبلی خود ظاهراً عقب‌نشینی کرده و رییس آن مکتوب جدید را در ۲۱ حوت ۱۳۹۹ نوشته است. در این مکتوب گفته شده است که دانش‌آموزان دوره ابتدایی با تفاهم والدین «در روشنی لوائح و هدایات مقام وزارت معارف» در صورتی که در درس‌های آن‌ها سکتگی ایجاد نشود، می‌توانند در مکاتب ترانه‌های خود را ترتیب و ارائه کنند اما در مورد دانش‌آموزان بالاتر از دوره‌ی ابتدایی چیزی گفته نشده است.

این نخستین تصمیم جنجالی مسئولان وزارت معارف افغانستان نیست. در ماه قوس امسال نیز این وزارت اعلام کرد که تمام دانش‌آموزان صنف اول تا سوم را به مساجد انتقال می‌دهد و در سه سال نخست آموزش و پرورش، رفتن به مسجد یک هویت قوی اسلامی را در دانش‌آموزان ایجاد و پرورش خواهد داد و محوریت اسلام را برای دانش‌آموزان برجسته خواهد کرد. در آن زمان این تصمیم نیز با واکنش‌های تند مردمی مواجه شد. در یک مورد عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی اعلام کرد که این تصمیم وزارت معارف اشتباه و نادرست است.

تصمیم اخیر مسئولان در وزارت معارف و وضع محدودیت ترانه‌خوانی برای دانش‌آموزان دختر بالای ۱۲ سال در روزهای اخیر نگرانی‌های زیادی را خلق کرده است. آنچه از این تصمیم برداشت می‌شود، بیشتر ناشی از وضعیت سیاسی کنونی است. گفت‌وگوهای صلح جمهوری اسلامی افغانستان با گروه طالبان و حفاظت از دستاوردهای دو دهه اخیر سوال‌های زیادی را در آذهان عمومی خلق کرده است و وضع محدودیت برای دختران در راستای همین نگرانی‌ها قابل بررسی است.

معارف افغانستان فراز و فرودهای بسیاری را در تاریخ خود دیده است. در دوره حکومت طالبان دختران اجازه رفتن به مکاتب نداشتند و در زمان امارت اسلامی افغانستان زنان خانه‌نشین بودند. حالا که زمزمه‌های آمدن دوباره طالبان به قدرت مطرح است، مردم و به‌ویژه زنان در افغانستان می‌گویند مسئولان وزارت معارف با گرفتن تصمیم این چنینی زمینه را برای ورود افکار طالبانی و محروم کردن دختران از مکتب فراهم می‌سازند. وضع محدودیت برای دختران دانش‌آموز همچنان پرسش اساسی دیگری را متوجه حکومت افغانستان و رهبران آن می‌کند: چگونه با وجود چنین افکار و افرادی در بدنه نظام آن‌ها می‌توانند از دستاوردهای دو دهه‌ی پسین و حقوق اساسی مردم در مذاکرات صلح حفاظت کنند؟

مسئولان وزارت معارف اولویت‌های کلیدی خود را فراموش کرده‌اند. یک گزارش تحقیقی کمیته میک در سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که روند استخدام آموزگاران، توزیع کتاب درسی به دانش‌آموزان، پرداخت معاش به آموزگاران و روندهای تدارکاتی در این وزارت همه معروض به فساد گسترده است. علاوه بر این وجود آموزگاران و مکاتب خیالی در چوکات این اداره یکی از مشکلات دیگر است. مکاتب بی‌شمار در سراسر کشور ساختمان ندارد و دانش‌آموزان در زیر خیمه و بر روی خاک درس می‌خوانند. کیفیت پایین آموزش در مکاتب یکی دیگر از مشکلات است.

با توجه به آنچه یاد شد، مسئولان وزارت معارف افغانستان بایستی اولویت‌های اساسی خود را رفع مشکلات و کاستی‌ها در این نهاد بدانند. برای رشد و انکشاف معارف تلاش کنند و برای پرورش استعدادها دانش‌آموزان برنامه‌ریزی کنند نه این‌که با صدور مکاتب و تصمیم‌گیری‌های ناشیانه زمینه را برای محروم کردن دانش‌آموزان نسبت به حقوق اساسی آن‌ها فراهم کنند. معارف پایه و اساس یک جامعه است و رشد و انکشاف آن به ترقی جامعه کمک می‌کند. گماشتن افراد مسئول و دلسوز می‌تواند کشتی معارف افغانستان را به‌سوی روشنائی رهنمایی کند اما وجود افرادی با افکار طالبانی و عقب‌مانده در سمت‌های کلیدی این وزارت اثرات مخرب و ویرانگری را بر بدنه معارف افغانستان تحمیل می‌کند.

اطلاعات روز: وزارت خارجه‌ی کشور می‌گوید که قرار است هیأتی به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی افغانستان در نشست صلح مسکو شرکت کند. حامد تهذیب، معاون سخن‌گوی وزارت خارجه دیروز (جمعه، ۲۲ حوت) به روزنامه اطلاعات روز گفت که در حال حاضر رأی‌زنی‌ها در مورد این که چه کسانی به نمایندگی از دولت در نشست مسکو بروند، جریان دارد و به‌زودی نهایی خواهد شد.

آقای تهذیب همچنان گفت که دولت افغانستان از هر گونه تلاش کشورها برای سهم‌گیری حقیقی در راستای تأمین صلح پایدار و باعزت در افغانستان استقبال می‌کند. او افزود که دولت افغانستان تلاش‌های تمام کشورها به‌شمول ایالات متحده‌ی آمریکا، ترکیه و روسیه را در جهت تأمین صلح در افغانستان باارزش و بااهمیت می‌شمارد. این درحالی است که قرار است در تاریخ ۱۸ ماه جاری میلادی (مارچ) نشستی در

نماینده‌ی از طالبان در این نشست دعوت شده‌اند. برخی از کشورهای منطه و آمریکا نیز در این نشست دعوت شده‌اند. نشست صلح مسکو درحالی قرار است برگزار شود که مذاکرات صلح میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان از حدود دو ماه به این طرف به کندی پیش می‌رود. در هفته‌های اخیر هیچ نشست رسمی میان دو طرف برگزار نشده و تنها گروه‌های تماس چند بار دیدار داشته‌اند.

مورد صلح افغانستان در مسکو، پایتخت روسیه برگزار شود. محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه‌ی کشور چند روز پیش در یک نشست خبری گفته بود که این نشست در حمایت از روند صلح افغانستان برگزار می‌شود. براساس دعوت‌نامه‌ی روسیه، دو نفر به نمایندگی از حکومت، دو نفر به نمایندگی از شورای عالی مصالحه‌ی ملی، شش یا هفت نفر به نمایندگی از چهره‌ها و رهبران جریان‌های سیاسی و پنج نفر به

## وزیر خارجه‌ی ترکیه از برگزاری نشست صلح افغانستان در ماه اپریل در استانبول خبر داد

طرف‌های مذاکرات در افغانستان [دولت و طالبان] به ترکیه اعتماد دارند و پیش از این نیز خواستار برگزاری چنین نشستی شده بودند. این درحالی است که پیش از این آنتونی بلینکن، وزیر خارجه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا در نامه‌ای به رییس‌جمهور اشرف غنی و عبدالله عبدالله رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی گفته بود که کشورش از ترکیه خواهد خواست تا یک نشست سطح بالای رهبری دولت و طالبان را میزبانی کند. آقای بلینکن از رییس‌جمهور غنی خواسته بود که با دیگر مقام‌های باصلاحیت حکومت و نمایندگان حوزه‌ی جمهوریت در این نشست بپیوندند.

اطلاعات روز: مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجه‌ی ترکیه اعلام کرده است که قرار است نشست صلح افغانستان به میزبانی این کشور در ماه اپریل سال جاری در شهر استانبول برگزار شود. رسانه‌های ترکی دیروز (جمعه، ۲۲ حوت) به نقل از آقای اوغلو گزارش کرده‌اند که نشست استانبول جایگزین نشست دوحه نه، بلکه مکمل آن است و در هماهنگی با دولت قطر برگزار می‌شود. او گفته است که کشورش در این راستا یک نماینده‌ی ویژه در امور افغانستان تعیین خواهد کرد. به گزارش شبکه «تی‌آرتی» ترکیه، وزیر خارجه‌ی این کشور گفته است که

## بریتانیا ممنوعیت احتمالی اجرای ترانه در مکاتب تحت حمایتش در افغانستان را بررسی می‌کند

کنوانسیون‌های حقوق کودک و قوانین افغانستان دانسته است. این کمیسیون همچنان گفته است که حق آموزش، آزادی بیان و دسترسی به مهارت‌های هنری از حقوق اولیه و اساسی همه‌ی کودکان، بدون تبعیض مبتنی بر سن و جنس است.



اطلاعات روز: دولت بریتانیا اعلام کرده است که ممنوعیت احتمالی اجرای ترانه و سرود از سوی دانش‌آموزان دختر در مکاتب تحت حمایت این کشور در افغانستان را به‌گونه‌ی فوری بررسی می‌کند.

به گزارش روزنامه تلگراف چاپ بریتانیا، سخن‌گوی وزارت امور خارجه، کشورهای مشترک‌المنافع و توسعه بریتانیا گفته است: «ما فوراً به دنبال وضاحت وزارت معارف افغانستان در مورد گزارش‌ها درباره‌ی این تصمیم و هرگونه پیامد احتمالی آن بر کارهای مرتبط با معارف در افغانستان با بودجه‌ی انگلیس هستیم.» در گزارش تلگراف همچنان آمده است که بریتانیا در دو دهه‌ی گذشته ده‌ها میلیون پول برای معارف و حقوق کارمندان دولت کمک کرده است و از طریق این کمک‌ها ۳۰۰ هزار دختر در شش سال گذشته توانسته‌اند به مکتب بروند.

دو روز پیش، مکتوبی از ریاست معارف کابل عنوانی مکاتب دولتی و خصوصی منتشر شد که در آن آمده بود پس از این به دانش‌آموزان دختر بالاتر از ۱۲ سال

سن، اجازه‌ی اجرای ترانه و سرود را در محافل عمومی ندارند.

در این مکتوب آمده بود که تلاش شود تا مکاتب گروه‌های ترانه و سرود دانش‌آموزان دختر را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که سنین اعضای گروه بالاتر از ۱۲ سال نباشد.

در مکتوب همچنان تأکید شده بود که به گروه‌های ترانه و سرود دانش‌آموزان دختر «به هیچ صورت به جز از مرئبان و آموزگاران زن از طرف مرئبان مرد» تمرین و آموزش هم داده نشود.

نجیبه آرین، سخن‌گوی وزارت معارف به

روزنامه اطلاعات روز گفته بود که تمامی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی در مکاتب خصوصی و دولتی و سوادآموزی در سراسر کشور از اجرا و خواندن ترانه و سرود در محافل عمومی منع شده‌اند.

خانم آرین همچنان گفته بود که این تصمیم براساس درخواست و شکایت دانش‌آموزان و والدین آنان گرفته شده است.

این تصمیم وزارت معارف با واکنش‌های گسترده مواجه شده است. از جمله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، آن‌را خلاف اصول عمومی حقوق بشر،

## فرمانده لوای اول قول اردوی ۲۰۵ اتل کشته شد

اما گزارش کرده‌اند که یک نفر دیگر نیز همراه با مزمل صافی کشته شده است.

گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است.

ولایت قندهار در جنوب افغانستان موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت جنگ‌جویان گروه طالبان حضور و فعالیت تروریستی دارند.

شماری از ولسوالی‌های قندهار از جمله ژیری، ارغنداب،

پنجوایی و... در جریان سال جاری شاهد درگیری‌های شدید میان نیروهای دولتی و جنگ‌جویان طالب بوده است. در نتیجه‌ی این درگیری‌ها، به دو طرف تلفات سنگین وارد شده و هزاران خانواده نیز بیجا شده‌اند.



اطلاعات روز: منابع ارتش در ولایت قندهار تأیید می‌کنند که مزمل صافی، فرمانده لوای اول قول اردوی ۲۰۵ اتل در این ولایت در درگیری با طالبان کشته شده است.

یک منبع در قول اردوی ۲۰۵ اتل که نخواست نامش گرفته شود، به روزنامه اطلاعات روز گفت که این درگیری دو روز پیش (پنج‌شنبه، ۲۱ حوت) در مربوطات ولسوالی پنجوایی قندهار صورت گرفته است.

این منبع همچنان گفت که آقای صافی در نخست در جریان درگیری زخمی شده بود و سپس در شفاخانه قول اردوی ۲۰۵ اتل جان باخته است. به گفته‌ی او، در این درگیری به کسی دیگر آسیب نرسیده است. شماری از رسانه‌ها

## یک دادستان در مرکز ولایت پکتیا ترور شد

ولایت پکتیا در جنوب‌شرق کشور از ولایت‌های ناامن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولایت حضور و فعالیت گسترده دارند.

در یک هفته‌ی اخیر، دست‌کم سه دادستان در کشور کشته شده‌اند. در تاریخ ۱۶ حوت رییس دادستانی ریاست امنیت ملی هلمند در انفجاری در شهر لشکرگاه کشته شد. یک دادستان دیگر صبح روز ۱۸ حوت از سوی افراد مسلح ناشناس در مربوطات شهر کابل ترور شد.

که محمدحسن یار در بخش جزای عمومی این دادستانی کار می‌کرد. آقای پاچا گفت که افراد مسلح «پشت دروازه‌ی خانه‌ی او [محمدحسن یار] تک تک کرده و هنگامی که او بیرون شده، او را با شلیک گلوله از بین برده‌اند».

از سوی هم، دادستانی کل در اعلامیه‌ای گفته است که هیأتی را تعیین کرده است تا ترور محمدحسن یار را به‌گونه‌ی جدی و قانونی بررسی و عاملان آن را شناسایی کند.

آقای امیری همچنان گفت که طالبان از این دادستان پول درخواست کرده بود، اما او [دادستان] این درخواست را رد کرده بود.

او گفت که تیم‌های کشفی پولیس پکتیا تلاش‌ها برای شناسایی و بازداشت عاملان این رویداد را آغاز کرده‌اند.

گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است.

در همین حال، سیدعنبر پاچا، رییس دادستانی استیناف ولایت پکتیا می‌گوید

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت پکتیا می‌گویند که محمدحسن یار، دادستان دادستانی استیناف این ولایت از سوی جنگ‌جویان وابسته به گروه طالبان در شهر گردیز کشته شده است.

لعل محمد امیری، سخن‌گوی فرماندهی پولیس پکتیا به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد حوالی ساعت ۱۰:۰۰ دو شب پیش (پنج‌شنبه، ۲۱ حوت) در منطقه‌ی «پمپ آریانا»ی شهر گردیز رخ داده است.

عباس اسدیان

نبی عظیمی، از شخصیت‌های نظامی و تأثیرگذار تاریخ معاصر افغانستان بود. عظیمی که به لحاظ فکری به مکتب مارکسیسم گرایش داشت، در تغییرات عمده و تأثیرگذار کشور نقش عمده و به سزا ایفا کرد. او نویسنده کتاب مهم «سیاست و اردو» است. در حوزه کتابت در افغانستان، این کتاب به نوبه خود یگانه است، زیرا اولین کتابی است که نقش ارتش را در سیاست افغانستان به بررسی می‌گیرد. در کنار این، عظیمی نویسنده رمان‌های «سایه‌های هول» و «واهمه‌های زمینی» نیز است. از این‌رو، در کنار این‌که او یک چهره نظامی-سیاسی است یک چهره فرهنگی هم می‌باشد.

نبی عظیمی در تعیین‌کننده‌ترین اتفاقات چند دهه اخیر نقش داشته است. از جمله در نبرد مشهور جلال‌آباد که میان مجاهدین و کمونیست‌ها درگرفته بود. نبی عظیمی و چند شخصیت تأثیرگذار دیگر این نبرد را به نفع حکومت کابل به پایان رساندند. البته در این میان بعضی اتهامات، از جمله «سازش‌کاری» با هر جبهه، بر شخصیت نبی عظیمی وارد است. خصوصا در قضیه ممنوع‌الخروج کردن داکتر نجیب و اعدام شدن آن به واسطه طالبان (در صورتی که نبی عظیمی برای به قدرت رسیدن نجیب نیز نقش مؤثر داشته است). اما حسین فخری (نویسنده و پژوهشگر) در این مورد می‌گوید «جنرال عظیمی سازش‌کار نبود، بلکه با در نظر داشت پالیسی‌ها و منافع عموم تغییر جهت می‌داد. منافع شخصی برایش بسیار کم مطرح بود. موضع‌گیری‌اش با نجیب با در نظر داشت این بود که کشتار و جنگ در کابل صورت نگیرد. یعنی به نحوی که نه مردم و نه اردو متضرر شوند.» عظیمی در سال‌های آخر عمرش بیشتر به کارهای فرهنگی می‌پرداخت و سردبیر نشریه آنلاین «در گستره زندگی» بود. نبی عظیمی، چند روز قبل در تاشکند درگذشت. به همین بهانه کارنامه او را به صورت اجمالی به بررسی می‌گیریم.

### «اردو و سیاست»

در تاریخ معاصر افغانستان، به جای بازی‌های سیاسی و تأثیرگذاری اندیشه‌ها، اردو (ارتش) نقش تعیین‌کننده برای به قدرت رسیدن افراد و جناح‌ها داشته است. این موضوع به نوبه خود می‌تواند برای شناخت بهتر از جامعه افغانستان کمک کند. زیرا به این پرسش پاسخ می‌دهد که چرا در عصر حاضر

## دمخور جنگ، سیاست و فرهنگ

مرور کوتاه کارنامه جنرالی که شاهد مهم‌ترین حوادث افغانستان معاصر بود



که نقش تعیین‌کننده را اندیشه و علم دارد، در افغانستان «زور بازو» و «تفنگ» همه‌چیز را تعیین می‌کند. عظیمی در این مورد اشاره می‌کند «تاریخ افغانستان که از سپیده دم تمدن جهانی آغاز می‌شود با تاریخ تشکل و پیدایش لشکرها، افواج و اردوهایی که یکی بعد از دیگری زاده می‌شدند و در امر دفاع از مردم، آزادی و حرکت بودند، می‌زمیندند ارتباط پیوسته و عمیقی داشته است که نمی‌توان یکی را از دیگری مجزا دانست» (اردو و سیاست، ص ۲۲). اما همان‌طور که پیداست برای حصول شناخت بهتر از این موضوع نیاز است تا ابتدا در مورد ارتش افغانستان معلومات کسب کنیم که قطعاً بهترین کتاب در این مورد کتاب «اردو و سیاست» می‌باشد. این کتاب با نگاه اجمالی اردوی افغانستان را «در مسیر تاریخ» و با نگاه فشرده به سه دهه اخیر، مورد ارزیابی قرار داده است. «هدف من در این کتاب، دادن تصویری مختصر برای خواننده گرمی که مشتاق دانستن نقش و رول اردوی افغانستان در حوادث گوناگون، کودتاهای پی‌درپی و تغییرات شگرف سیاسی در سال‌های اخیر می‌باشد. زیرا که خود افسر بوده‌ام و شاهد زنده‌ی وقایع و حوادث گوناگون» (ص ۲۷).

کتاب «اردو و سیاست» یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها در حوزه سیاست و بحث‌های نظامی در افغانستان است. اما باید توجه داشت که این کتاب را باید از دو منظر به خوانش گرفت؛ یک، به دلیل نداشتن متن مکتوب و جدی در حوزه ارتش این کتاب باید به لحاظ اطلاعاتی مورد خوانش قرار بگیرد. دوم، به دلیل حضور بعضی پیش‌داوری‌ها باید این کتاب مورد خوانش انتقادی قرار بگیرد. حسین فخری (که کتاب اردو و سیاست را ویرایش کرده است) در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز در این مورد می‌گوید کتاب «اردو و سیاست» را می‌توان از چند لحاظ مورد خوانش قرار داد. «همان‌طور که توقع می‌رود کتاب اردو و سیاست از تاریخچه نظامی اردوی افغانستان معلومات دسته اول دارد. زیرا جنرال نبی عظیمی یک شخصیت برجسته و بسیار تأثیرگذار در اردوی افغانستان بوده و نیز اکثر ماجراها را از نزدیک دیده است؛ مطالب و اسنادی دارد که در جریان کار خود

شاهد آن بوده است. بسیار چیزها را یا انجام داده، یا دیده یا شنیده. بنابراین این کتاب در حوزه اردوی افغانستان بهترین معلومات را در اختیار ما قرار می‌دهد.» آقای فخری به عنوان کسی که شناخت نزدیک از نبی عظیمی دارد درباره محتوای کتاب می‌گوید که «تحلیل‌هایش خویشتن‌دارانه است، یعنی بیشتر خودش را توجیه کرده است. در این کتاب تلاش شده است نویسنده و جناح‌های که نویسنده به آن متعلق بوده تیره شود و اشتباهات و خطاهایی را که احوالاً صورت گرفته، توجیه کند.» و به تعقیب این‌ها علاوه می‌کند که «نثر و زبان بسیار ساده و سلیس» این کتاب باعث شد بعد از انتشار کتاب جنرال عظیمی به عنوان یک شخصیت فرهنگی برجسته و با استعداد نیز به جامعه معرفی شود.

در کل، کتاب «اردو و سیاست» کتاب تاریخی است. اما گذشته از حسنات و جنبه‌های مثبت این کتاب نقضش در این است که تحلیل‌ها و بررسی‌های که در این کتاب صورت گرفته جانب‌دارانه است و این

امر به ارزش کتاب به عنوان یک سند معتبر و متن تاریخی آسیب می‌رساند. زیرا در فلسفه تاریخ می‌خوانیم اصولاً یک تاریخ‌نگار - در این‌جا فرض ما این بوده است که جنرال نبی عظیمی را به عنوان یک تاریخ‌نگار، حداقل در بخش نظامی، در نظر بگیریم - به هیچ‌وجه نباید وقایع و رویدادها را برحسب پیش‌فرض‌های ذهنی خودش روایت کند. یک متن تاریخی بالرش و قابل اعتنا متنی است که عاری از پیش‌داوری‌های نویسنده باشد، اما ردپای پیش‌فرض‌های ذهنی جنرال نبی عظیمی در این کتاب دقیقاً خلاف همان چیزی است که نظریه‌پردازان تاریخ‌نگاری به آن اتکا می‌کنند. البته یک نکته را باید در نظر گرفت و آن هم این‌که ما توقع نداریم نبی عظیمی باید یک تاریخ‌نگار حرفه‌ای می‌بود و کتاب «اردو و سیاست» بهترین متن در حوزه تاریخ اما به عنوان مخاطبان این اثر و از آن‌جایی که این کارها به سرنوشت جمعی ربط دارد، می‌توانیم توقع داشته باشیم که متن‌های از این دست باید عاری از پیش‌داوری‌ها باشد.

پیوند فرهنگ و سیاست همان‌طور که تذکرش رفت نبی عظیمی از معدود چهره‌های سیاسی و تأثیرگذار کشور است که در حوزه فرهنگ و ادبیات هم کارهای قابل توجه دارد. عظیمی در ابتدا یک چهره فرهنگی بود، و البته در کنار آن از اوضاع و احوال سیاسی هم غافل نبود. همین امر، و توانایی‌های که از خودش به نمایش گذاشته بود، باعث شد شخصیت‌های سیاسی به او اعتماد کنند و از او بخواهند که در جناح‌های‌شان بپیوندند. حبیب حمیدزاده (ژورنالیست و نویسنده) می‌گوید «زیرکی و هشیاری و ظرفیت او سبب شده بود که در کودتای داوود و خلقی‌ها از او خواستار کمک شوند و او کارهای در حد خودش در آن زمان انجام داد.» و بعد علاوه می‌کند «مارکسیست‌شدنش هم ذوقی بلهوسانه نبوده است. او از راه مطالعه و پژوهش به این مکتب رسیده بود و به آن باور پیدا کرده بود.»

مکتب مارکسیسم، که اگرچند فعلاً از آن به عنوان یک مکتب شکست‌خورده و ایدئولوژی‌ای که باعث جنایات فراوان در قرن بیستم شد نام برده می‌شود، اما برای حقوق «فروستان» مبارزه می‌کند. این مکتب از آن چیزی حرف می‌زند که اتفاقاً در افغانستان به شدت ملموس است و معضلی برای همه: فقر. البته در کنار این‌ها، آن میزانی بی‌شمار آدم‌های را نیز در نظر بگیرید که از آن به نام «کارگر» یاد می‌شوند و برای پیدا کردن «نان» مشقت‌های فراوان را متقبل می‌شوند. نبی عظیمی، با توجه به این واقعیت‌ها به مکتب مارکسیسم می‌گراید و آن را به عنوان روزنه‌ای برای دفاع از حقوق طبقه «کارگر» و کاهش «فقر» می‌بیند. او می‌نویسد «آشفته‌گی‌های سرنوشت من، با بحرانی‌ترین اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی همراه و همزمان بود، سرزمینی که بر اثر حق تولد، شادمانی‌ها، خوشی‌ها و بهترین چیزها را به من داده بود و در آن نمک قدرت و شور غرور را چشیده بودم دیگر از دست رفته بود...» (ص ۶۳۷). عظیمی تلاش می‌کند با درک واقعیت‌های جامعه پیوند معنادار میان سیاست و فرهنگ برقرار کند و به آن‌هایی که صرفاً یا به سیاست متوسل شده‌اند یا صرفاً فرهنگ را راه‌حل می‌دانند، تذکر بدهد راه سومی هم در این میان وجود دارد. این راه سوم، پیوند میان فرهنگ و سیاست و گذشتن از متن جامعه و لمس کردن درد طبقه فرودست است.

## وزارت معارف در مقابله با قانون اساسی افغانستان

مریم جعفری

در حالی که چند روز پیش از روز جهانی زن در گوشه و کنار جهان و خصوصاً افغانستان تحلیل‌های پرطمطراقی صورت گرفت، در تازه‌ترین اقدام، وزارت معارف افغانستان، دستور منع خوانش ترانه و سرود برای دختران بالای ۱۲ سال در مکاتب دولتی و خصوصی را اعلام کرده است. این تصمیم یک تصمیم ناقض آزادی بیان و تبعیض‌گرایانه جنسیتی علیه دختران و زنان برای خاموش کردن صدای آنان در افغانستان در حالی صورت می‌گیرد که همیشه مخالفت‌های زیادی برای حضور زنان در تصویر و رسانه، بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری به گوش می‌رسد. اقداماتی نظیر این همیشه در حال تنگ‌تر کردن عرصه‌ی فعالیت زنان در اجتماع و محیط‌های تعلیمی، کاری و رسمی است. در حالی که افغان‌ها، خصوصاً زنان نگران پیامدهای گفت‌وگوهای صلح با طالبان و با خطر مواجه شدن دستاوردهای حقوق زنان در کشور، در تقریباً دو دهه گذشته هستند چنین اقدامات، خودسرانه و افراطی‌گرایانه، این تهدیدها و تشویش‌ها را شدت می‌بخشد. حضور افرادی با چنین اندیشه‌های مغرضانه‌ی طالبانی، تبعیض‌گرایانه‌ی جنسیتی و ضد زن در هرم قدرت و در بخش‌های کلیدی نظیر معارف کشور، راه را برای تبعیض در برابر زنان و به خطر انداختن آزادی‌های نسبی آنان هموار ساخته و

باعث به حاشیه‌راندن آنان می‌گردد.

وزارت معارف هدف و دیدگاه اصلی خود در وبسایت این وزارت‌خانه را این‌گونه تعریف می‌کند: «انکشاف سرمایه بشری مطابق به اصول و اساسات دین مقدس اسلام، احترام به ارزش‌های ملی و حقوق بشر از طریق فراهم‌آوری زمینه‌ی دسترسی مساویانه‌ی همه اتباع کشور به تعلیم و تربیه با کیفیت غرض تمهید و تسهیم‌شان در انکشاف متوازن، رشد اقتصادی، صلح و امنیت در کشور.» این در حالی است که این وزارت‌خانه چندی پیش سعی در تغییر ساختار این وزارت‌خانه داشت و خواستار آموزش شاگردان صنوف اول تا سوم در مساجد بود تا به گفته‌ی این وزارت اسلام جایگاه محوری را در سیستم تعلیم و تربیه داشته باشد.

قانون اساسی افغانستان حقوق زنان را به عنوان یک انسان، شهروند و تبعه‌ی افغانستان در تمام ماده‌های قانون اساسی به شکل مساویانه و برابر ذکر کرده است. در ماده بیست‌ودوم قانون اساسی افغانستان حق برابری و تساوی جنسیتی و انسانی، به شکل مشخص و اساسی ذکر شده است: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی می‌باشند.» بنابراین منع دختران از اشتراک در برنامه‌های هنری نظیر اجرای سرود و ترانه یکی از مصداق‌های بارز نقض آزادی بیان و

اعمال تبعیض جنسیتی است که به عنوان موادی در قانون اساسی افغانستان باید از آن دفاع شود. آزادی بیان یکی از حقوق بشر و یک حق فردی پذیرفته‌شده بر اساس قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی است که افغانستان نیز آن را پذیرفته است. در کنار این، بر اساس قانون اساسی افغانستان آزادی بیان از جمله حقوق اساسی برای شهروندان است که هیچ کس حق تعرض به آن را ندارد. در واقع خود دولت باید تسهیل‌کننده این امر و مدافع آزادی بیان باشد، قوانین و پالیسی‌های دولتی نیز نباید طوری باشند که مانع توسعه آزادی بیان شود. متأسفانه در حالی که انتظار می‌رود مسئولان وزارت معارف باید بر مواد قانون اساسی افغانستان خصوصاً در زمینه تعلیم و تربیه و آزادی بیان آگاهی کافی داشته باشند، آگاهی ابتدایی بر این مواد را نداشته و با احکام غیرمسئولانه و ناآگاهانه، بر این قوانین تعرض می‌کنند که باید مورد پیگرد قانونی قرار گیرند.

ماده سی‌وچهارم قانون اساسی افغانستان می‌گوید: «آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی بپردازد. احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط

تحلیل

جمعی توسط قانون تنظیم میگردد.» در واقع ابراز عقاید و نظریات، افکار و احساسات اتباع افغانستان را به‌طور عادلانه توسط روش‌های گوناگون نظیر گفتار، نوشتار، رسامی، مجسمه‌سازی، ثبت آهنگ، آواز خوانی، خوانش سرود و ترانه، تمثیل و تئاتر، تصویر، و دیگر شیوه‌های علمی، ادبی، هنری و فرهنگی است که فارغ از جنسیت افراد اعم از زن و مرد، تحت حمایت قانون اساسی کشور می‌باشد و اتباع افغانستان می‌توانند به ابراز و اجرای آن بپردازند. به همین ترتیب دولت وظیفه نشر و گسترش علم و دانش را در کشور دارد که ماده چهل‌وهفتم قانون اساسی افغانستان حکم می‌کند: «دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر برنامه‌های مؤثر طرح می‌کند» تا زمینه مناسب برای رشد فعالیت بانوان در کنار مردان فراهم شود. در چنین حالتی انتظار می‌رود دولت افغانستان مسئولیت خود را اجرا و از قوانین آن که اساس وجود این حکومت است به دفاع و صیانت پرداخته و مانع نقض آن توسط افراد و منسوبین حکومتی و یا افراد غیرحکومتی گردد. دولت مسئول است تا با چنین تصمیمات خودسرانه و مغرضانه برخورد کرده و عاملان آن را مورد پیگرد و بازخواست قرار دهد، از حضور و فعالیت زنان در اجتماع دفاع کرده و قوانین کشور را عملی کند تا افراد مسئول و غیرمسئول به میل خود قانون وضع نکرده و یا قوانین موجود را تغییر ندهند.



## تجربه نزدیک به مرگ؛ وقتی می‌میریم چه اتفاقی می‌افتد؟

گیر می‌افتد، معماری از نردبان می‌افتد، رهگذری تلفن به دست با موتر تصادف می‌کند، ما زمان کافی برای آزمایش نداریم. گریسون در کتاب خود *After* خاطرنشان می‌کند که حرفه‌ی وی با پیشرفت‌ها در فناوری تصویربرداری از مغز، از جمله ظهور اسکنرهای «تصویرسازی تشدید مغناطیسی کارکردی» مشهور به *fMRI* همزمان بوده است. این فناوری‌ها به دانشمندان علوم مغز و اعصاب امکان می‌دهد که میکانیسم تفکر را در مغز مشاهده کنند. اما استفاده از این تجهیزات برای مشاهده آنچه در مغز فردی که درحال تجربه نزدیک به مرگ است، جریان دارد، دشوار است زیرا برای این کار باید اول قرار ملاقات با پزشک و متخصص مغز و اعصاب گذاشته شود، بعد بیمار موافقت کند که رویش آزمایش شود و این همه در صورتی ممکن است که ما مطمئن شویم این بیمار در آستانه تجربه کردن تجربه نزدیک به مرگ است. اما وقتی یک تجربه به طور کامل تصادفی رخ دهد، و فرد تجربه‌کننده در شفاخانه و متصل به تجهیزات پزشکی پیشرفته نباشد، چه اتفاقی می‌افتد؟ دانشمندان چگونه یک لحظه زودگذر و اعلام‌نشده و غیرقابل پیش‌بینی را ثبت کنند؟

وقتی از گریسون پرسیدم که چرا حالا، بعد از این همه سال، تصمیم گرفته است که کتابش *After* را منتشر کند، گفت که «ما باید صبر می‌کردیم تا در مورد تجربه نزدیک به مرگ دانش کافی پیدا کنیم تا بتوانیم بفهمیم که واقعا چه خبر است.» منظور او از دانش در اینجا این نیست که بدانیم تجربه نزدیک به مرگ چیست، بلکه پیشرفت در علم و فناوری به ما این امکان را داده است که از انبوه چیزهایی سر در بیاوریم که تجربه نزدیک به مرگ نیست. او می‌گوید: «فرضیه‌های فیزیولوژیکی وجود دارد که به لحاظ تئوریک محتمل و شدنی به نظر می‌رسد» اما هیچ‌یک دوام نیاورده است. او می‌پرسد: آیا مواد شیمیایی شادی‌آور مانند اندورفین که در لحظه احساس خطر در بدن آزاد می‌شود باعث ایجاد حس سرخوشی می‌شود؟ آیا مغز دچار کمبود اکسیجن می‌شود و تخلیلات به ظاهر واقعی را تولید می‌کند؟ آیا مناطق مختلف مغز به طور ناگهانی برای ایجاد حالات عجیب و تغییر یافته، به صورت هماهنگ

جریان تجربه نزدیک به مرگ را پشت سر گذاشته است) از گریسون پرسید: «چگونه یک حالت بی‌زمان را توصیف می‌کنی؟ جایی که در آن هیچ چیزی از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر پیش نمی‌رود، جایی که همه چیز ساکن است و شما در آن فضا غوطه‌ور هستید؟» شخص دیگری به یاد می‌آورد: «جریان انرژی روح من مانند حرکت نهنگ بزرگی بود که در دریایی از سرخوشی و رضامندی خاموش سر می‌خورد.»

نقش گریسون به عنوان روان‌پزشک این بوده است که فضایی را فراهم کند که در آن «تجربه‌کنندگان» این پدیده بتوانند به راحتی داستان‌های غالباً نامفهوم‌شان را بازگو کنند. گرچه حتا وقتی بیماران جرأت این کار را پیدا می‌کنند، در یافتن زبان مناسب برای بازگ کردن تجربه‌شان مشکل دارند.

گریسون می‌گوید: «وقتی با تجربه‌کنندگان تجربه نزدیک به مرگ صحبت می‌کنم، یکی از اولین چیزهایی که می‌گویند این است: «نمی‌توانم آن‌را به زبان بیاورم... راهی برای بیان آن وجود ندارد.» یک تجربه‌کننده سرخورده این پدیده، باری به گریسون گفت که وقتی سعی می‌کند وقایع آن لحظه را به یاد بیاورد، «همیشه کم می‌آورم.» تجربه‌کننده دیگری به او توضیح داده است که توصیف تجربه‌اش دشوار است، زیرا ما در سه بعد زندگی می‌کنیم و آنچه او در مرز بین زندگی و مرگ دیده است، به نوعی فضایی بزرگ‌تر از سه بعد به نظر می‌رسیده است. گریسون دریافته است که گاهی اوقات این افراد برای یادآوری وقایعی که در آن لحظه تجربه کرده‌اند به نقاشی یا موسیقی رو می‌آورند؛ گویی معنای واقعی آن تجربه را فقط می‌توان به طرز غیرشفاهی بیان کرد. اما حتا ابزار غیرشفاهی کافی نیست. باری تجربه‌کننده‌ای به گریسون گفت که کینیم با «مداد رنگی» حس بو را به تصویر بکشیم؛ کاری که از اساس غیرممکن است. با توجه به این‌که تجربه نزدیک به مرگ تقریباً بدون هشدار قبلی اتفاق می‌افتد، آزمایش این دست تجارب نیز تقریباً غیرممکن است. گریسون می‌گوید که وقتی بیماری تجربه نزدیک به مرگ را تجربه می‌کند، ما «زمان بسیار کوتاهی در اختیار داریم.» وقتی شناگری زیر آب

سال‌ها صدها مورد تجربه‌ی نزدیک به مرگ را جمع‌آوری و ثبت کرده است. تجاربی که او ثبت کرده است به دو طریق جمع‌آوری شده است: یا بیمارانی که از پژوهش وی در این خصوص مطلع بودند، داوطلبانه داستان خود را باوی شریک کردند، یا گریسون به صورت اتفاقی با بیماری که این تجربه را در شفاخانه داشته است، مواجه شده و تجربه‌اش را ثبت کرده است. در این موارد فرآیند پژوهش گریسون تقریباً همیشه یکسان بوده است: او کنار تخت بیمار موردنظر می‌رود و به آرامی اطلاعات را استخراج می‌کند. او می‌گوید اول از بیمار می‌پرسم: «آخرین چیزی که قبل از تارشدن منظره به یاد می‌آوری چیست؟» بعد از این سوال، او از بیمار می‌پرسد: «چیزی که بعد از تارشدن منظره به یاد می‌آوری چیست؟» و سرانجام از بیمار می‌پرسد: «آنچه را در این بین به یاد می‌آوری چیست؟» همه‌ی بیماران نسبت به پرسش‌های گریسون واکنش خوبی نشان نمی‌دهند. اکثر بیماران از پرسش‌های او گیج می‌شوند. اما او می‌گوید که «تقریباً یک نفر از هر پنج نفر می‌گوید: «خب، مدانی، فکر می‌کنم در آن لحظه پدرم را که ۲۰ سال قبل مرده بود، دیدم.» و من می‌گویم: «در موردش به من بگو» و بعد می‌گذارم حرف بزنند.»

گریسون پژوهش خود را در کتاب جدیدی به نام *After* عرضه می‌کند که برپایه به یک سری مطالعات موردی نگاشته شده است. روایات و داستان‌های این کتاب شبیه داستان‌ها و روایات عرفانی است؛ مانند آن‌هایی که آدم در تلویزیون و کتاب می‌بیند و می‌خواند. اما موضوع همگی مشترک است. در این کتاب به نقل از یک بیمار آمده است که او پس از واکنش بد بدنش در برابر بیهوشی، به یاد می‌آورد که: «خودم را در چمنزار، با ذهنی باز و هویتی دست نخورده پیدا کردم. چمنزار با نوری پرشکوه و تابناک روشن شده بود، نوری که هرگز ندیده بودم. نوری ملایم و اندرونی از تک تک گیاهان ساطع بود.» گریسون می‌گوید بیشتر داستان‌ها شامل عین احساس شگفتی، آرامش ذهنی و حس شادمانی است. برخی افراد تجربه خروج از بدن‌شان را بازگو می‌کنند، یا می‌گویند که به خاطر دارند در تونلی طولانی سفر می‌کردند. برخی دیگر گزارش می‌دهند که در جریان این تجربه با موجوداتی روبرو شده‌اند که فکر می‌کنند خدا یا «الله» یا اعضای درگذشته خانواده‌شان بوده‌اند. برخی دیگر نیز می‌گویند که در جریان تجربه نزدیک به مرگ‌شان احساس می‌کردند که زمان خم شده یا تاب برداشته است، انگار زمان کشسان و ارتجاعی باشد. باری یک مأمور پولیس که نزدیک بود در حین عمل جراحی جان دهد (و بعدا معلوم شد در این

با توجه به این‌که تجربه نزدیک به مرگ تقریباً بدون هشدار قبلی اتفاق می‌افتد، آزمایش این دست تجارب نیز تقریباً غیرممکن است. گریسون می‌گوید که وقتی بیماری تجربه نزدیک به مرگ را تجربه می‌کند، ما «زمان بسیار کوتاهی در اختیار داریم.» وقتی شناگری زیر آب گیر می‌افتد، معماری از نردبان می‌افتد، رهگذری تلفن به دست با موتر تصادف می‌کند، ما زمان کافی برای آزمایش نداریم. گریسون در کتاب خود *After* خاطرنشان می‌کند که حرفه‌ی وی با پیشرفت‌ها در فناوری تصویربرداری از مغز، از جمله ظهور اسکنرهای «تصویرسازی تشدید مغناطیسی کارکردی» مشهور به *fMRI* همزمان بوده است.

حدود ۳۰ نفر دیگر در ردیفی دایره‌وار به شیوه جلسه‌های AA نشسته بودند و با دقت گوش می‌دادند و هرازگاهی سر تکان می‌دادند.

گریسون سال‌ها بود که از وقوع حوادث از این دست برای آدم‌ها می‌شنید. گریسون می‌گوید که باری در جریان آموزش روان‌پزشکی‌اش در دهه ۱۹۶۰، با بیماری روبه‌رو شد که مدعی بود درحالی که روی تخت شفاخانه بیهوش بوده «از بدن خود خارج شده.» این بیمار پس از به هوش آمدن شرح دقیقی از وقایعی را که در «تاق دیگر شفاخانه» اتفاق افتاده بود، بازگو کرد. این داستان از نظر گریسون، که به گفته خودش در «خانوار علمی» و از پدری شیمی‌دان به دنیا آمده، با عقل جور در نمی‌آمد. گریسون معتقد بود که فرد دیگری اطلاعات را درباره آنچه در جریان بیهوشی این بیمار در اتاق دیگر شفاخانه اتفاق افتاده بوده، به این بیمار منتقل کرده است. و در واقع داستان بیمار موردنظر ساختگی بوده است. او همچنین از خود پرسید که «جداشدن از بدن دیگر چه کوفتی است؟»

گریسون سال‌ها سعی کرد این داستان را فراموش کند، اما به تکرار با داستان‌های سرگیجه‌آور آدم‌های دیگری روبرو شد که مدعی بودند یا بعد از این‌که مرگ‌شان از لحاظ بالینی قطعی شده بود (ایست قلبی) یا زمانی که خیلی نزدیک به مرگ بودند (دچار علائم حیاتی ناپایدار) حوادثی را تجربه کردند که مربوط این دنیا نیست. روان‌پزشک «ریموند مودی» که زمانی همکار گریسون بود، در کتاب *پرفروش سال ۱۹۷۵* اش تحت عنوان «زندگی بعد از مرگ» یا *Near-Death Experience* نامید، اصطلاحی که تاکنون ثابت و گویای این تجارب باقی مانده است. گریسون می‌گوید: «متوجه شدم که این تجربه‌ها فقط مربوط یک بیمار نیست. بلکه یک پدیده معمول است.» پس از این درک، گریسون مجذوب خصوصیات این تجربه‌ها و پرسش‌هایی شد که از این تجربه‌ها ناشی می‌شود. جمله مهم‌ترین این پرسش‌ها این است که وقتی می‌میریم چه اتفاقی می‌افتد؟ او می‌گوید که این پدیده او را در خود «غوطه‌ور» کرد و «۵۰ سال گذشته و من هنوز سعی می‌کنم از آن سر در بیاورم.» گریسون اکنون ۷۴ ساله است. وقتی داشتیم صحبت می‌کردیم او درخانه‌اش در «شارلوتزویل» ویرجینیا در انتظار ختم همه‌گیری کووید ۱۹ بود. او می‌گوید طی این



الکس مُشاکیس، گاردین مترجم: جلیل پژواک

«گریگ نوم» ۲۴ ساله بود که پایش لغزید و درون گردابی که از بالای آبشاری بر آن جاری بود پرت شد و بدنش بین بستر شنی رودخانه و فشار آب آبشار گیر افتاد و شروع به غرق شدن کرد. آنچه گریگ موقع غرق شدن دید، از صحنه‌های کاملاً شفاف از دوران کودکی‌اش گرفته تا اتفاقاتی که عمدتاً فراموش کرده بود و سپس صحنه‌هایی از اوایل بزرگسالی‌اش، باورنکردنی می‌آمد. این خاطرات، اگر بتوان نام «خاطره» را بر آن گذاشت، برای گریگ خاطرات زنده و بسیار واضح بودند. آیا او موقع غرق شدن یاد گذشته‌اش افتاده بود؟ فکر نکنم. با این‌که خاطرات گریگ برق‌آسا و تقریباً همه به یک‌بارگی مثل یک موج بالا آمدند، اما او می‌توانست هریک را جداگانه پردازش کند. در واقع گریگ قادر بود هرچیزی را که در اطرافش جریان داشت، از ضربه‌های آب آبشار از بالا گرفته تا بستر شنی رودخانه از پایین، همه چیز را به‌طور واضح درک کند. او به خاطر می‌آورد که در آن لحظه می‌توانست طوری «بشنود و ببیند» که تا آن لحظه هرگز قادر نشده بود. او می‌گوید به‌رغم این‌که زیر آب گیر افتاده بود، احساس راحتی و آرامش می‌کرد. او به یاد می‌آورد که در آن لحظه فکر می‌کرد که قبلاً حواسش به نوعی کند کار می‌کرد، زیرا اکنون حس می‌کرد که می‌تواند جهان و حتا شاید معنای واقعی کیهان را به‌طور کامل درک کند. اما کم کم این تصاویر کم‌رنگ شدند. او به یاد می‌آورد که بعد از کم‌رنگ شدن این تصاویر، «فقط تاریکی را می‌دیدم. و حس یک گسست کوتاه، مثل این‌که چیزی در شرف وقوع باشد، به من دست داد.»

چهار سال بعد در سال ۱۹۸۵ گریگ این داستانش را برای اعضای گروه حمایتی مستقر در ایالت «کنیتیکت» بازگو کرد. او از آن حادثه جان سالم به‌در برده بود. اما اکنون امیدوار بود که بفهمد چرا درحالی که داشت غرق می‌شد ذهنش آن‌گونه رفتار کرد. جلسات این گروه حمایتی توسط «بروس گریسون»، که اکنون استاد برجسته روان‌پزشکی در «دانشگاه ویرجینیا» است، ترتیب داده می‌شود. درحالی‌که گریگ داستانش را بازگو می‌کرد، گریسون و

تجربه نزدیک به مرگ پدیده جدیدی نیست. به گفته افلاطون، سقراط نیز باری تجربه نزدیک به مرگ داشته: «گایوس پلینیوس دوم» معروف به «پلینی بزرگ» نیز این نوع تجربه را در قرن اول ثبت کرده: تاریخ نیز پر است از نمونه‌هایی که در آن کوه‌نوردان از صخره سقوط کرده و به جای تجربه وحشت و ترس، رضامندی و شادمانی را تجربه کرده‌اند. اکنون به نظر می‌رسد که ما بیش از هر زمان دیگری مجذوب این پدیده هستیم و تجربه نزدیک به مرگ در فرهنگ عامه همچنان گسترده است.

## تحلیل



کند. محمد محقق، مشاور ارشد رییس‌جمهور و رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان نیز طرح صلح ایالات متحده را «صلح فرمایشی و آمرانه» تعبیر کرد و اذعان کرد که از دل چنین رویکردی، صلح افغانستان نتیجه‌بخش نیست. با این حال برخی دیگر از رهبران سیاسی از جمله داکتر عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی و حنیف اتمر، وزیر امور خارجه دولت افغانستان درباره محتوای نامه آقای بلینکن، موضعی آرام‌تر اتخاذ کرده‌اند. آقای عبدالله و آقای محب، مشاور امنیت ملی افغانستان تأکید کردند که طرح صلح امریکا قابل بررسی است و نیاز به تأمل دارد. در همین حال، رییس‌جمهور افغانستان در مراسم آغاز به‌کار دوره تازه پارلمان گفت که «آماده هر نوع فداکاری برای صلح است. اما تأکید کرد که انتقال قدرت از طریق انتخابات برای دولت او یک اصل غیرقابل معامله است.» همچنین او گفت که «هیچ فردی نمی‌تواند درباره انحلال نهادهایی که در قانون اساسی افغانستان، پیش‌بینی شده است، تصمیم‌گیری کند.»

## طرح صلح دولت انتقالی

در پیش‌نویس طرح این طور آمده است که طرح مذکور به‌منظور کمک به فرایند تسریع مذاکرات صلح افغانستان میان جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان ارائه شده از سه بخش اصلی تشکیل می‌شود: بخش اول مربوط به اصول رهنمودی توافق‌شده برای اداره کشور در ذیل یک دولت عبوری تنظیم شده است. بخش دوم آن نقشه راهی است برای آوردن تغییرات در قانون اساسی و رسیدگی به امور امنیتی و حکومت‌داری. بخش سوم عبارت است از شرایط توافق‌شده برای آتش‌بس دائمی و همه‌جانبه و تطبیق آن.

طرح صلح آقای خلیل‌زاد، زوایای پیدا و پنهان بسیاری دارد و تلاش شده است که نگرانی‌ها و دیدگاه‌های دو طرف منازعه در آن گنجانده شود. «برگزاری انتخابات آزاد و شفاف»، «ایجاد شورای عالی فقه اسلامی»، «اصل به رسمیت شناختن تفکیک قوا»، «آتش‌بس دائمی و همه‌جانبه»، «ایجاد یک دولت موقت صلح»، «نحوه حکومت‌داری محلی» و موارد دیگری که می‌توان برشمرد. بر کسی پوشیده نیست که اشرف غنی محصول یک انتخابات ناکارآمد و وضعیت بغرنج سیاسی است. او در دوران حکومتش، بسیاری از نهادها و ساختارهای جامعه را که در تعمیق دموکراسی، نقش اساسی داشتند، قربانی تمامیت‌خواهی و جاه‌طلبی خود کرد. دایره تصمیم‌گیری و مشارکت دولت و جامعه را به ارگ، اداره امور و تعدادی نهاد خودساخته محدود کرد و به عبارت دیگر دایره مشارکت و تصمیم‌گیری دولت-ملت را به افرادی چون «فضلی»، «نادری»، «محب» و ... تقلیل داد. بسیاری از رهبران سیاسی، قومی و جنبش‌های مدنی-اجتماعی را فدای قدرت‌طلبی و انحصارطلبی‌اش کرد. به همین دلیل است که او اکنون به‌شدت احساس تنهایی می‌کند؛ تنهایی‌ای که نقطه ضعف این روزهای او در عرصه سیاسی و اجتماعی است.

واکنش‌های باطمینان و گاهی با سکوت بسیاری از جریان‌های سیاسی و رهبران قومی به طرح صلح دولت انتقالی آقای خلیل‌زاد، به خوبی نشان می‌دهد که رییس‌جمهور غنی، روزهای سختی را پیش‌رو دارد. روزهایی پرالتهاپ و کابوس‌وار. میزبانی او از رهبران سیاسی و قومی در ارگ ریاست‌جمهوری و تقلای او برای دلجویی از محمد محقق، مارشال دوستم و سایرین، همگی نشان از درماندگی و تنهایی اوست و صد البته تلاش مزبوحانه او برای ترمیم آنچه که خود مسبب آن بوده است.

به‌نظر می‌رسد که امریکا تلاش دارد تا زمان خروج نیروی خود از افغانستان، پرونده حضور خود را نیز در این کشور پایان دهد. استراتژی‌ای که در طول ماه‌های گذشته، طالبان و همفکران آن‌ها به‌شدت آن را تقویت کردند، این بود که اشرف غنی مانع صلح است. به همین دلیل امریکا فکر می‌کند با فشار آوردن به دولت اشرف غنی و تهدید او به جدی‌گرفتن روند صلح و ممانعت‌نکردن او مسأله حل خواهد شد. اما آیا اشرف غنی مهم‌ترین عامل به‌وجودنیامدن صلح است؟ آیا ما با طرح صلح آقای خلیل‌زاد از چاله به چاه نمی‌افتیم؟ بخش نخست طرح آقای خلیل‌زاد به دین اسلام به‌عنوان دین رسمی دولت آینده افغانستان اشاره شده است. براساس این طرح، شورایی موسوم به «شورای عالی فقه اسلامی»، برای ارائه مشورت‌های اسلامی به همه‌ی ساختارهای حکومتی ملی و محلی تشکیل خواهد شد تا این اصل را تحکیم کند. پرسشی که در نهایت می‌توان مطرح کرد این است که «شورای عالی فقه اسلامی» که به‌نظر می‌رسد پاسخی به ایده‌ی «توافق‌خواهی» طالبان است آیا ما را به سمت یک حکومت «توتالیتر دینی» و یا به عبارتی به سمت یک «استبداد دینی» سوق نمی‌دهد؟

دولت انتقالی صلح؛  
رؤیایی که به حقیقت  
می‌پیوندد؟

حسین‌علی کریمی

گروه مطالعه افغانستان در گزارش نهایی خود در فبروری ۲۰۲۱، پیشنهادات مشخصی برای خروج مسئولانه امریکا از افغانستان ارائه کرد. این نهاد در دسامبر سال ۲۰۱۹ با هدف بررسی روند صلح افغانستان، پیامدهای توافق صلح یا عدم دستیابی به توافق و در نهایت واری منابع و تهدیدات امریکا ایجاد شد. گروه مطالعه افغانستان در گزارش خود اشاره می‌کند که «مجموعه‌ای مسئولانه و منسجم از اقدامات ایالات متحده می‌تواند شانس توافق مسالمت‌آمیز را بعد از چهل سال درگیری، افزایش دهد. یک رویکرد عجولانه می‌تواند احتمال خرابی نظم در افغانستان و وخیم‌ترشدن این جنگ طولانی و غم‌انگیز را با پیامدهای منفی برای منطقه و تهدیدهای امنیتی و منافع ایالات متحده و متحدانش افزایش دهد.» همچنین آن‌ها هشدار می‌دهند که «خروج غیرمسئولانه امریکا، احتمالاً به جنگ داخلی جدیدی در افغانستان منجر خواهد شد و این امر دعوت از احیای نیروهای ضد امریکا است. گروه‌های تروریستی که می‌توانند افغانستان را تهدید کنند و روایت پیروزی در برابر قدرتمندترین کشور جهان را فراهم کنند.»

محتوای نامه وزیر خارجه امریکا نشان می‌دهد که امریکا علاقه‌مند خروج از افغانستان در زمان تعیین‌شده است و تمایل ندارد خود را بیش از این در گودال یک جنگ فرسایشی ببیند. پرسش اصلی این نوشته این است که طرح «دولت انتقالی صلح» که آقای خلیل‌زاد آن را در جریان هفته گذشته با مقامات افغان در کابل شریک ساخت و بعد از آن رهسپار دوحه شد تا آن را با طالبان شریک کند، چقدر با واقعیت‌های افغانستان منطبق است و بیانگر یک استراتژی مسئولانه است؟

## سیاست‌گذاری‌های توبیت‌محور

دوره ریاست‌جمهوری ترمپ، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های امریکا به «توبیت‌گرایی» تقلیل پیدا کرد. پیامد این «توبیت‌گرایی»، اتخاذ تصمیم فردی و حذف نهادهای تأثیرگذار بر روند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در امریکا بود. از جمله کشورهایی که به‌شدت متأثر از این «توبیت‌گرایی» شد، افغانستان بود. به‌نظر می‌رسد سیاست‌گذاری امریکا در قبال افغانستان هنوز متأثر از عصر «توبیت‌گرایی» رییس‌جمهور ترمپ است. با این تفاوت که «توبیت‌کردن» اکنون به «ارسال نامه» تغییر ماهیت داده است. وزیر خارجه امریکا در اقدامی به رییس‌جمهور غنی، نامه‌ای ارسال کرد که در آن به صراحت خواستار یک نقشه راه جدید برای ایجاد یک حکومت تازه و فراگیر در افغانستان شده است. «آنتونی بلینکن» درباره وضعیت افغانستان به رییس‌جمهور غنی هشدار می‌دهد و در نامه‌اش به او بر ایجاد مشارکت سیاسی با سایر رهبران افغانستان و اتخاذ یک راه‌حل سیاسی برای برون‌رفت افغانستان از جنگ ناتمام تأکید می‌کند. به‌نظر می‌رسد محتوای این نامه، طرح صلح دولت انتقالی را که هفته گذشته، زلمی خلیل‌زاد در سفر رسمی‌اش به کابل با مقامات افغانستان شریک ساخته بود، تأیید می‌کند. در محتوای نامه به صراحت از دولت افغانستان، به‌خصوص اشرف غنی خواسته شده که هرچه سریع‌تر یک دولت مشارکتی فراگیر ایجاد کند.

در متن نامه، خطاب به رییس‌جمهوری افغانستان آمده است «شما و مردم کشورتان به درستی می‌دانید که تفرقه میان رهبران افغان در دهه‌های گذشته، نتایج اسفباری برای مردم افغانستان داشته است و اکنون نباید چنین وضعیتی دوباره تکرار شود.» آنتونی بلینکن در ادامه با لحنی تحقیرآمیز به رییس‌جمهوری افغانستان هشدار می‌دهد، همان‌طور که جریان سیاست‌گذاری‌های ما در امریکا در حال شکل‌گرفتن است، برای دولت امریکا هیچ گزینه‌ای در قبال افغانستان مردود نیست. او همچنین خطاب به رییس‌جمهوری افغانستان تأکید می‌کند که متوجه شدت و صراحت بیان او درباره اقداماتی که در محتوای این نامه است، شود.

واکنش‌ها در درون افغانستان به محتوای این نامه، مختلف بوده است. معاون نخست‌رییس‌جمهوری افغانستان، طرح صلح خلیل‌زاد را «سند ننگ» خواند و مدعی شد که حاضر نیست در پای آن امضا

دشوار دیگری را مطرح می‌کند: اگر ذهن جدا از مغز باشد، و اگر ذهن در مغز نیست، پس کجاست؟ اصل خود ذهن چیست؟»

تجربه نزدیک به مرگ پدیده جدیدی نیست. به گفته افلاطون، سقراط نیز باری تجربه نزدیک به مرگ داشته؛ «گایوس پلینیوس دوم» معروف به «پلینی بزرگ» نیز این نوع تجربه را در قرن اول ثبت کرده؛ تاریخ نیز پر است از نمونه‌هایی که در آن کوه‌نوردان از صخره سقوط کرده و به جای تجربه وحشت و ترس، رضامندی و شادمانی را تجربه کرده‌اند. اکنون به نظر می‌رسد که ما بیش از هر زمان دیگری مجذوب این پدیده هستیم و تجربه نزدیک به مرگ در فرهنگ عامه همچنان گسترده است.

از نظر گریسون تأثیر تجربه‌های نزدیک به مرگ بر زندگی مردم شگفت‌آورترین یافته‌ی وی است. او می‌گوید: «من با تلاش برای کمک به مردم برای تغییر زندگی‌شان امرار معاش می‌کنم. این کار آسان نیست. اما در این کار با پدیده‌ای سرخوردم که گاهی در عرض چند ثانیه، نگرش‌ها، ارزش‌ها، باورها و رفتارهای مردم را به طرز چشم‌گیری دگرگون می‌کند.» این تغییرات اغلب دهه‌ها ادامه می‌یابد. در بیشتر موارد تجربه‌کنندگان متوجه می‌شوند که دیگر از مرگ نمی‌ترسند؛ درکی که از نظر گریسون «تأثیر زیادی بر نحوه زندگی‌شان دارد» زیرا پس از آن فرد موردنظر «ترس خود از زندگی‌کردن را نیز از دست می‌دهد... او دیگر از زندگی‌کردن هم نمی‌ترسد... از فرصت‌هایی که در زندگی برایش پیش می‌آید، هم نمی‌ترسد.» گریسون گاهی اوقات از تجربه‌کنندگان این پدیده می‌پرسد نظرشان را درباره شریک زندگی‌شان در دوره‌ی قبل و بعد از این تجربه بیان کنند. آن‌ها اغلب می‌گویند: «او [شریک زندگی‌ام] کسی نیست که من باهاش ازدواج کرده بودم. او دیگر آدم متفاوتی است.» گریسون می‌گوید این افراد اغلب پس از تجربه‌شان، هدفی را در زندگی‌شان می‌بینند که قبلاً از آن بی‌خبر بودند. او می‌گوید که چیزی قدرتمندتر از این تغییر ندیده است.

از او می‌خواهم مثالی بیاورد. او می‌گوید: «من با افرادی که پولیس بودند یا مأمور ارتش بودند صحبت کرده‌ام. آن‌ها پس از این تجربه نتوانستند به شغل‌شان بازگردند زیرا نمی‌توانستند با ایده‌ی خشونت در کارشان کنار بیایند.» از او می‌پرسم که چرا چنین چیزی ممکن است. او می‌گوید: «زیرا ایده‌ی صدمه‌زدن به کسی از نظر آن‌ها ایده زشت و شنیع است.» گریسون با گفتن این سخن شانه بالا انداخته و ادامه می‌دهد: «این افراد در نهایت به شغل‌هایی رو آوردند که در آن هدف، کمک به مردم است. آن‌ها معلم، مددکار اجتماعی یا رضاکار اجتماعی شدند.» از گریسون می‌پرسم که آیا این پژوهش منجر به تغییر در طرز فکر خودش نیز شده است یا خیر.

او می‌گوید: «فکر نمی‌کنم مرا از نظر روابطم با دیگران تغییر داده باشد. اما فکر می‌کنم باعث شده است که در برابر ایده‌های غیرمعمول پذیراتر و بازتر شوم.» او می‌گوید که به عنوان یک روان‌پزشک «از معنای روان‌پریش بودن» آگاه است. اما او می‌گوید که «من پذیرای افکار غیرمعمول شده‌ام، اما نه افکار دیوانه و پرت. و این باعث شده با ناشناخته‌ها برخورد معقول‌تری داشته باشم.»

او ادامه می‌دهد: «من بدون هیچ نوع پیشینه معنوی/مذهبی بزرگ شدم. و هنوز مطمئن نیستم که از معنویات سر دربیآورم. اما اکنون بعد از چهل-پنجاه سال بودن در این کار متقاعد شده‌ام که در زندگی چیزهای فراتر از وجود فیزیکی ما وجود دارد. من باور دارم که ما دارای یک وجود غیرفیزیکی در وجود خود هستیم. معنویت معمولاً جستن چیزی بزرگ‌تر و فراتر از خود شما را در بر می‌گیرد؛ معنویت به معنای رفتن به دنبال معنا و هدف عالم هستی است. من این خصوصیات را یقیناً دارم.»

بروس گریسون، روان‌پزشک و نویسنده کتاب *After: A Doctor Explores What Near-Death Experiences Reveal About Life and Beyond* است.

فعال می‌شوند؟ گریسون می‌گوید: «ما مدام فکر می‌کنیم که «اوه حتمن همین است... باید این‌طور باشد... نه داده‌ها این را نشان نمی‌دهد... اوه پس این چیست؟»»

«کوبین نلسون»، متخصص مغز و اعصاب در «دانشگاه کنتاکی» است. او که همانند گریسون سال‌ها مصروف ثبت تجربه‌های نزدیک به مرگ بوده است، این تجربه‌ها را «ترکیبی از دو حالت هوشیاری (بیداری و خواب همراه با حرکات سریع چشم)» در لحظه‌ی خطر جسمی یا عاطفی بزرگ» توصیف می‌کند و استدلالش این است که بسیاری از تجربه‌های نزدیک به مرگ شبیه «رویا» است که در «نواحی مرزی» عصبی وجود دارد. او می‌گوید که غش‌کردن ممکن است تجربه مشابه تجربه نزدیک به مرگ را به همراه داشته باشد. سایر پژوهش‌گران، از جمله عصب‌شناس فقید «اولیور ساکس»، تجربه‌های نزدیک به مرگ را توهمات «بسیار پیچیده» می‌دانند که دست‌کم به لحاظ فرهنگی پذیرفته شده است.

گریسون می‌گوید که وقتی از تحقیقاتش برای همکارانش یاد می‌کند، «واکنش‌های مختلف از جمله «آیا عقلت را از دست داده‌ای؟» و «اوه بگذار من درباره تجربه نزدیک به مرگ خودم برایت بگویم»» دریافت می‌کند. او در دهه ۱۹۸۰ برای رسمیت‌بخشیدن به پژوهش‌ها درباره تجربه نزدیک به مرگ، نظرسنجی‌ای را به نام «مقیاس گریسون» راه‌انداخت و نتایج آن را منتشر کرد. این نظرسنجی به بیش از ۲۰ زبان ترجمه شده است و همچنان مورد استفاده پژوهش‌گران است. او همچنین مقالات زیادی را در مجلات پزشکی معتبر جهان منتشر کرده است. اما گریسون ایده‌های عجیب و غریبی نیز درباره تجربه‌های نزدیک به مرگ دارد. او در کتابش می‌نویسد: «من این احتمال را که تجربه نزدیک به مرگ امکان دارد در اثر تغییرات فیزیکی در مغز ایجاد شود، جدی می‌گیرم.» این درحالیست که او می‌پذیرد که ذهن امکان دارد بتواند «مستقل» از مغز کار کند. او می‌گوید گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد تجربه‌کنندگان درحالی این پدیده را تجربه کرده‌اند که مغزشان غیرفعال بوده است، اما با وجود آن گزارش داده‌اند که در لحظه تجربه نزدیک به مرگ «زنده‌ترین تجربه از زندگی خودشان را داشته‌اند.» این برای گریسون منطقی نیست. او در جریان مصاحبه پرسید: «آیا این تجربه‌ها لحظه‌های آخر هوشیاری است؟ یا لحظه‌های آغاز زندگی پس از مرگ؟»

این نوع تئوری‌ها گریسون را نزد دانشمندان علوم اعصاب که اکثر براین عقیده‌اند که ذهن محصول مغز است، در سکوی لرزانی قرار می‌دهد. نلسون درباره زندگی پس از مرگ به من گفت که «این ادعا فوق‌العاده‌ترین ادعا در علم است و هیچ مدرک علمی عادی، چه رسم به خارق‌العاده، وجود ندارد که آن‌را تأیید کند.» (او افزود: «این مسأله، مسأله ایمانی است.») ساکس ادعاهایی مانند این را ادعاهای «ضدعلم» می‌خواند. «دنیل کندزیلا»، متخصص مغز و اعصاب در «شفاخانه دانشگاه کپنهاگن»، به من گفت در صورتی که افرادی که پدیده تجربه نزدیک به مرگ را تجربه می‌کنند، سال‌ها بعد قادر به توصیف و بیان تجارب خود باشند، پس مطمئناً این تجربه «محصول پردازش‌شده در مغز و مراکز حافظه‌شان است.» (کندزیلا همانند نلسون معتقد است که تجربه نزدیک به مرگ به نوعی با خواب همراه با حرکات سریع چشم مرتبط است.)

گریسون می‌داند که اثبات وقایعی که فرد در تجربه نزدیک به مرگش مشاهده می‌کند، به دلیل عدم امکان تحقیق علمی، غیرممکن است. اما با وجود این، کنار گذاشتن تئوری‌های گیج‌کننده و حتا به ظاهر خرافاتی برای وی دشوار است. وقتی از او می‌پرسم که درک منطقی فعلی او از این تجربه‌ها چیست، به نظر می‌رسد او تسلیم ناممکن‌ها در این زمینه شده است. او می‌گوید: «من فکر می‌کنم که به احتمال زیاد ذهن به گونه‌ای از مغز جدا است. اگر این درست باشد، پس می‌توانیم فرض کنیم که ذهن وقتی مغز می‌میرد، می‌تواند کار کند. اما این فرض مسأله‌ی

## لهستان و مجارستان علیه «مکانیزم حاکمیت قانون» اتحادیه به دیوان دادگستری اروپا شکایت کردند

اطلاعات روز: ورشو و بوداپست در اعتراض به ساز و کاری که کمک‌های مالی اتحادیه اروپا را به لزوم «احترام به حاکمیت قانون» مرتبط می‌کند به دیوان عالی دادگستری اتحادیه اروپا شکایت کردند. به گزارش یورونیوز فارسی، مکانیزم یاد شده با هدف تقویت حاکمیت قانون در کشورهای عضو، سال گذشته در بودجه مصوب اتحادیه اروپا گنجانده شد و قرار است برای دوره‌های شش ساله تا سال ۲۰۲۷ لحاظ و اجرایی شود. لهستان و مجارستان سال‌ها است بر سر موضوعات مختلف مرتبط با حاکمیت قانون با اتحادیه اروپا اختلافات اساسی دارند؛ بروکسل دو کشور یاد شده را به تلاش برای از بین بردن استقلال دستگاه قضایی و ممانعت در آزادی عمل رسانه‌ها متهم کرده است. اتحادیه اروپا برای ملزم کردن اعضا، بویژه دو کشور یاد شده به رعایت اصل احترام به حاکمیت قانون، مکانیزمی را در بودجه خود گنجانده که کمک‌های مالی از جمله صندوق حمایت از کشورها برای جبران خسارات ناشی از شیوع ویروس کرونا و همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ را نیز شامل می‌شود.

این مکانیزم در واقع ابزاری در دست بروکسل است تا بوسیله آن دو کشور لهستان و مجارستان را به ارزش‌های اتحادیه اروپا پایبند کند. دولت‌های راست‌گرای حاکم در دو کشور یاد شده به شدت نسبت به این مکانیزم موضع گرفته و اعلام کرده‌اند که علیه آن به دیوان عالی دادگستری اتحادیه اروپا شکایت کرده‌اند. پیوتر مولر، سخن‌گوی دولت لهستان در سخنانی مدعی شد که مکانیزم حاکمیت قانون خود به نوعی نقض قانون اتحادیه اروپا است. این چالش حقوقی که از سوی دو کشور لهستان و مجارستان به راه افتاده ممکن است اجرای مصوبه جدید بودجه اتحادیه اروپا را برای دو سال به تاخیر بیندازد و فضای تنفس بیشتری در اختیار «فیدس»، حزب راست‌گرای تحت ریاست ویکتور اوربان در مجارستان و حزب «قانون و عدالت» به ریاست ماتئوش مورایوئه‌تسکی، نخست‌وزیر لهستان قرار دهد. این در حالیست که دور آتی انتخابات پارلمانی در مجارستان و لهستان قرار است به ترتیب در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ برگزار شود.

## ترکیه پس از ۸ سال قطع رابطه با قاهره: تماس‌های دیپلماتیک را از سرگرفته‌ایم



مدیرترانه مذاکره کند.

ترکیه علاوه بر مصر در تلاش است تا روابط خود با یونان، اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه را بهبود بخشد. مولود چاووش اوغلو در همین راستا در مورد چشم انداز روابط ترکیه با عربستان سعودی گفت: «دلیلی وجود ندارد که روابط ما با عربستان سعودی بهبود پیدا نکنند.» روابط ترکیه با عربستان طی سال‌های گذشته به دلیل حمایت آنکارا از قطر و کشته شدن جمال خاشقچی، روزنامه نگار منتقد حکومت عربستان در ساختمان کنسولگری این کشور در استانبول پرتنش بود.

اطلاعات روز: مولود چاووش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه روز جمعه اعلام کرد که کشورش برای اولین بار از سال ۲۰۱۳ تاکنون با مصر «تماس‌های دیپلماتیک» برقرار کرده است.

به گزارش یورونیوز فارسی، روابط دیپلماتیک بین آنکارا و قاهره در سال ۲۰۱۳ و به دنبال کودتای عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهوری کنونی مصر علیه محمد مرسی، رئیس‌جمهوری سابق این کشور قطع شد. مولود چاووش اوغلو گفت که تماس‌ها با مصر در سطح وزارتخانه‌های «اطلاعات و خارجه» برقرار شده است. وی افزود که هیچ کدام از دو طرف پیش شرطی برای گفتگو با یکدیگر تعیین نکرده بودند.

با این حال به گفته وزیر خارجه ترکیه عبور از وضعیت کنونی و تظاهر به اینکه پس از سال‌ها قطع ارتباط اتفاقی بین دو کشور روی نداده است «آسان» نیست. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه تاکنون بارها همتای مصری خود را «کودتاچی» خوانده است. با این حال آنکارا طی ماه‌های گذشته تلاش کرده بود تا روابط با مصر را ترمیم کند. مولود چاووش اوغلو در همین راستا گفته بود که آنکارا آماده است تا با مصر برای دستیابی به توافق بر سر حریم دریایی در شرق دریای

## امریکا و اسرائیل نخستین نشست استراتژیک خود را درباره مسائل امنیتی منطقه و ایران برگزار کردند



زمان دولت دونالد ترامپ از این حملات «به صورت تاکتیکی» حمایت می‌کرد و هیچ نشانه‌ای مبنی بر مخالفت واشینگتن با این حمله‌ها وجود ندارد.

آستانه آن قرار گیرد، مصونیت بیشتری پیدا خواهد کرد.

از سوی دیگر، رسانه‌های اسرائیل نیز گزارش داده‌اند که در روزهای گذشته یک هیات از مقامات اسرائیلی در سفری به واشینگتن مواضع اسرائیل در مورد مناسبات آتی امریکا با ایران را به اطلاع مقامات ایالات متحده رسانده‌اند. نشست کارگروه مشورتی استراتژیک امریکا و اسرائیل یک روز پس از آن صورت می‌گیرد که آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا، در نشست کمیته روابط خارجه مجلس نمایندگان ایالات متحده تاکید کرد که دولت بایدن متعهد است پیش از هر توافقی با ایران در مورد مساله هسته‌ای این کشور، با اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس رایزنی کند. آنتونی بلینکن با تاکید بر اینکه امریکا با گستره وسیعی از اقدامات جمهوری اسلامی، از جمله حمایت از تروریسم، برنامه موشکی بالستیک و سایر اقدامات بی‌ثبات‌کننده در منطقه «مشکلات بنیادین» دارد، گفت: اگر ایران به سلاح هسته‌ای دست‌یابد یا در

اطلاعات روز: نخستین نشست کارگروه مشورتی استراتژیک ایالات متحده و اسرائیل به ریاست جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، و همتای اسرائیلی او، مئیر بن شبات به صورت مجازی برگزار شد و طرفین در این جلسه چالش‌های امنیتی منطقه، از جمله جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را بررسی کردند.

به گزارش ایران اینترنشنال، امیلی هورن، سخن‌گوی شورای امنیت ملی امریکا، روز پنجشنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد: «طرفین دیدگاه‌های خود را درباره موضوعات امنیتی منطقه که دو کشور در آنها منافع و نگرانی‌های مشترک دارند، از جمله ایران، را مطرح کردند و بر عزم مشترک خود برای مقابله با این چالش‌ها و تهدیداتی که منطقه با آن مواجه است تاکید کردند.»

پیش از جلسه روز پنجشنبه، سالیوان و بن‌شبات طی دو تماس طولانی جداگانه با یکدیگر تبادل نظر کرده بودند.

## چین، ایران و کوریای شمالی به دنبال ائتلافی ضد یکجانبه‌گرایی در سازمان ملل متحد

کشورهای پایه‌گذار گروه دوستان حامی منشور سازمان ملل متحد نام برده شده است.

در بخشی از یادداشت گروه یاد شده آمده است: «جهان شاهد توسل فزاینده به یکجانبه‌گرایی است که با رویکرد و سیاست‌های انزواطلبانه و خودسرانه از جمله تحمیل اقدامات یکجانبه اجباری یا خروج از توافق نامه‌های مهم و نهادهای برجسته مبتنی بر چندجانبه‌گرایی برجسته شده است.»

تلاش برای تضعیف اقدامات اساسی در جهت مقابله با چالش‌های مشترک و جهانی از دیگر نشانه‌های رویکرد فزاینده به یکجانبه‌گرایی عنوان شده است.

واشنگتن تحت ریاست دونالد ترامپ در همین راستا از نهادها و توافقنامه‌های مهم بین‌المللی از جمله سازمان جهانی بهداشت، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، سازمان فرهنگی ملل متحد، یونسکو، توافق آب و هوایی پاریس و توافق هسته‌ای قدرت‌های جهانی با ایران خارج شد.

دولت جو بایدن اما رویکردی کاملاً متضاد با دولت قبلی در پیش گرفته و از ژانویه تاکنون به برخی توافقات و نهادهای بین‌المللی که امریکا پیش‌تر از آنها خارج شده بود، باز گشته است.

لیندا گرینفیلد، نماینده دولت بایدن در سازمان ملل متحد پیش‌تر در این زمینه گفته بود که ایالات متحده بر تلاش یکن جهت به چالش کشیدن کشورش در سازمان ملل متحد تمرکز کرده و اجازه نخواهد داد تا یکن دستور کاری اقتدارگرایانه را در این نهاد پیش ببرد.

رویتز در ادامه گزارش خود با استناد به متن نامه‌ای تنظیم شده توسط «گروهی از دوستان حامی منشور سازمان ملل متحد» آورده است که چندجانبه‌گرایی هم اکنون به شکل بی سابقه‌ای مورد حمله واقع شده؛ مسئله‌ای که به نوبه خود تهدید صلح و امنیت جهانی را به دنبال دارد.

با این حال یک دیپلمات ارشد اروپایی که نامی از وی برده نشده به رویتز گفته که «این به اصطلاح دوستان اغلب کشورهای هستند که خود بیشترین تلاش را برای نقض منشور سازمان ملل متحد به خرج داده‌اند.»

به گفته این دیپلمات اروپایی «شاید بهتر باشد که این کشورها احترام به حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی را ابتدا از خود شروع کنند.»

در این گزارش از کشورهای الجزایر، آنگولا، بلاروس، بولیوی، کامبوج، کوبا، اریتره، لائوس، نیکاراگوئه، سنت وینسنت و گرنادین‌ها، سوریه و ونزوئلا به عنوان دیگر



حالیست که چین در حال اعمال فشار بیشتر برای به چالش کشیدن رهبری سنتی ایالات متحده در این نهاد بین‌المللی است.

اطلاعات روز: چین، کوریای شمالی، ایران و چند کشور دیگر با استناد به منشور سازمان ملل متحد در پی جلب حمایت از ائتلافی در این نهاد بین‌المللی هستند تا بوسیله آن بتوان با هرگونه تهدید به استفاده از زور و یا اعمال تحریم‌های یکجانبه جلوگیری کرد.

به نقل از یورونیوز فارسی، خبرگزاری رویترز با اعلام این خبر مدعی شده به متن نامه‌ای دست یافته که از سوی چند کشور عضو سازمان ملل متحد برای حمایت از تشکیل و اجرایی کردن چنین ائتلافی تنظیم شده است.

رویتز اعلام کرده که ۱۶ کشور عضو سازمان ملل متحد به اضافه فلسطینیان در حالی دست به این اقدام زده‌اند که دولت جدید ایالات متحده به ریاست جو بایدن بنا است رویکردی تازه در جهت تعامل بیشتر و چند جانبه با متحدان خود در پیش گیرد.

این در حالیست که چنین رویکردی در راستای سیاست‌های دولت پیشین امریکا به ریاست دونالد ترامپ که شعار «نخست امریکا» را سرلوحه کار خود قرار داده، بود قرار نداشت.

بایدن همچنین متعهد شده که در سازمان ملل متحد مقابل سیاست‌های توسعه‌طلبانه یکن بایستد، این در

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الباس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نزال، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهربار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

## هادی خوش‌نویس

آرزو ابراهیمی، یکی از آموزگاران برنامه «آموزش خانگی» صلیب سرخ برای افراد دارای معلولیت جسمی است. دانش‌آموز آرزو ابراهیمی و میزبان ما وحیده ۱۳ ساله است که بیماری و جنگ هر دو پایش را از او گرفته است.

وقتی ۱۳ سال قبل وحیده به دنیا آمد، بیماری آبله در ستون فقرات او جا خوش کرده بود. به دلیل سرایت این بیماری به پای وحیده پزشکان تشخیص دادند برای نجات جاننش یک پای او قطع شود. با موافقت خانواده، پای وحیده زیر تیغ جراحی رفت و او به دنیای افراد دارای معلولیت قدم گذاشت. چند سال بعد این بار جنگ پای دیگر وحیده را از او گرفت. وحیده می‌گوید پای دومش را بر اثر اصابت یک گلوله از دست داده است. این‌گونه بود که وحیده مثل بسیاری از کودکان دارای معلولیت در افغانستان زمین‌گیر شد: «با زخمی شدن پایم تقریباً سه سال از آموزش دور بودم.»

یافتن کودکان دارای معلولیت جسمی در شهر کابل کار چندانی سختی نیست، زیرا جنگ و بیماری بسیاری را در این شهر زمین‌گیر کرده است. شعب و ادریس دو برادر دارای معلولیت را در منطقه فقیرنشین و خلوت خیرخانه پیدا کردیم. کودکان دارای معلولیتی که شامل برنامه آموزش خانگی صلیب سرخ هستند، وقت به اتفاق کاه‌گلی و فقیرانه وارد شدیم، جلال‌الدین در تخته سفید به شعب و ادریس درس انگلیسی می‌داد. شعبی به‌دلیل بیماری فرسایش عضلات یا «ماسکولار دیستروفی» است و از ناشنوایی مفرط هم رنج می‌برد به طوری که با کمک آله‌ی شنوایی به سختی قادر به شنیدن صداهای پیرامونش است. شعبی می‌گوید که ناشنوایی‌اش مادرزادی است. اما شش سال پیش در نتیجه یک بیماری حرکت پاهایش را از دست داد: «شش ساله بودم که یک دفعه لنگ شدم.» ادریس نیز معلولیتش مادرزادی است: «ببرون رفته نمی‌توانم. فقط تا داخل حویلی می‌روم و بازی می‌کنم.»

## دریچه امید در میان تاریکی

سه سال زمان برد تا زخم‌های پای وحیده التیام پیدا کند. اما رنج بزرگی که او را در بر گرفته بود هنوز سرچایش بود؛ محرومیت از آموزش. سال ۱۳۹۶ وقتی روی ویلچر از خانه خواهرش برمی‌گشت در جاده منتهی به کارته سخی با جمعی از مردان و زنان عصابه‌دست روبه‌رو شد و حس کنجکاویش را تحریک کرد: «وقتی از سرک کارته سخی می‌گذشتیم به افراد معلول برخوردیم که عساجویی با نشان ICRC را زیر بغل داشتند. پرسیدم، گفتند که آره. این مرکز صلیب سرخ است.»

این گونه بود که راه وحیده به مرکز صلیب سرخ باز شد. در کنار این که او صاحب دو پای مصنوعی شد، شامل برنامه آموزش خانگی این نهاد بشردوستانه نیز شد. از آن زمان تا کنون وحیده سه صنف را تحت نظر

## آموزش خانگی صلیب سرخ؛ جایی که آموزگاران عاشق کار و دانش‌آموزان عاشق درس‌اند



وحیده با راهنمایی معش در خانه درس می‌خواند.

کم‌کم راهش را به سایر نقاط افغانستان باز کرد و حالا در ولایت‌های هرات، بلخ، ننگرهار، پروان، کاپیسا و پنجشیر هم در جریان است. مسئولان برنامه آموزش خانگی صلیب سرخ می‌گویند که در دوونیم دهه از آغاز این برنامه تا حالا ۱۹۱ نفر دارای معلولیت توانسته‌اند صنف ۱۲ را به اتمام برسانند: «سال ۲۰۲۰ در کل کشور ۱۹۹ شاگرد داشتیم و ۴۵ نفر جدیداً شمول. در این سال ۱۰ نفر توانستند از صنف ۱۲ فارغ شوند و پنج نفر دیگر با فراغت از برنامه سوادآموزی، سواد ابتدایی خواندن و نوشتن را یاد گرفتند.»

به دیدن عیسا تابش رفتیم. او از چندی به این طرف سرپرست تیم مکتب خانگی صلیب سرخ در کابل است. از تیم شش‌نفره مکتب خانگی صلیب سرخ در کابل که عیسا سرپرستی آن را به عهده دارد چهار تای آن معلولیت دارند و دو تای دیگر افراد سالم‌اند که این برنامه را پیش می‌برند: «دو تا سر معلم ما معلولیت دارد و دو تا سوپرایزر ما.»

مسئولان برنامه بازتوانی اجتماعی و آموزش خانگی صلیب سرخ می‌گویند هدف آن‌ها در نخست آموزش‌های ابتدایی مثل خواندن و نوشتن به افراد دارای معلولیت بود و بعد برنامه‌شان را گسترش دادند تا افراد دارای معلولیتی را که در حاشیه قرار گرفته و فراموش شده به اجتماع برگردانند.

به گفته عیسا تابش، اکنون برنامه آموزش خانگی صلیب سرخ فراتر از یک برنامه آموزشی معمول است. دست‌اندرکاران از صدر تا ذیل عاشق کارشان هستند: «من حتا در صورت ضرورت در روزهای رخصتی هم سرکار می‌آیم. در بدل دستمزد بهتر در جایی بهتر حاضر به رها کردنش نیستم چون همین‌جا بزرگ شدیم و آموختیم.»

مکتب خانگی صلیب سرخ در سراسر افغانستان، سال گذشته ۱۹۴ آموزگار داشت که ۴۰ نفر آن افراد دارای معلولیت بودند. مسئولان بازتوانی اجتماعی و آموزش این نهاد می‌گویند از ایجاد برنامه آموزش خانگی در سال ۱۹۹۶ میلادی تا حالا ۱۹۱ نفر فرد دارای معلولیت را از صنف ۱۲ فارغ داده‌اند. برنامه آموزش خانگی صلیب سرخ در کابل ۹۴ شاگرد دارای معلولیت و ۷۵ آموزگار دارد که هر روز طبق تقسیم و براساس سیستم وزارت معارف آموزش می‌بینند.

با زمری حسینی، عضو نظارت برنامه بازتوانی و آموزش خانگی صلیب سرخ که بر اثر اصابت گلوله در سال ۱۳۷۲ معلول شده است به خانه‌های افراد دارای معلولیت که از این برنامه مستفید می‌شوند رفتیم. آقای حسینی می‌گوید که آن‌ها روزانه از برنامه آموزش خانگی صلیب سرخ نظارت می‌کنند: «شاگردان ما از صنف اول شروع کرده و از صنف ۱۲ فارغ شدند و به دانشگاه‌ها رفتند. اگر به دانشگاه دولتی رفتند صلیب سرخ خرج و مصرف کتاب و چپترشان را پرداخته و اگر به دانشگاه‌های خصوصی رفتند هزینه‌اش را صلیب سرخ پرداخته است. ما شاگردانی داریم که در بخش اقتصاد، حقوق و کمپیوتر ساینس فارغ شده‌اند.»

مسئولان برنامه بازتوانی اجتماعی و آموزش خانگی صلیب سرخ می‌گویند هدف آن‌ها در نخست آموزش‌های ابتدایی مثل خواندن و نوشتن به افراد دارای معلولیت بود و بعد برنامه‌شان را گسترش دادند تا افراد دارای معلولیتی را که در حاشیه قرار گرفته و فراموش شده به اجتماع برگردانند.

جامعه است. از شغلم رضایت کامل دارم.» حاصل هشت کار جلال‌الدین در برنامه «مکتب خانگی» صلیب سرخ، ۱۰ شاگرد است که توانسته صنف ۱۲ را تمام کند و به تحصیلات عالی راه یابد: «هر سال به‌طور اوسط هشت شاگرد دارم و گاهی به ۱۳ شاگرد هم می‌رسد. به‌طور تخمینی در هشت سال ۵۰ شاگرد را آموزش دادم و ۱۰ نفر آن از صنف ۱۲ فارغ شده‌اند.»

آموزش خانگی صلیب سرخ چیست؟ آنچه از سال ۱۹۹۶ در یادها مانده، موجی از خشونت و بربریتی بود که طالبان به همراه آورد و سال منخوسی را برای کشور رقم زد. اما در این سال یک اتفاق به ظاهر ساده، جرقه‌ای امید را در زندگی یک بخش «فراموش‌شده» روشن کرد و باعث نگاه امیدوارانه آن‌ها به آینده شد.

۲۵ سال قبل، سال ۱۹۹۶ میلادی هم‌زمان با تصرف کابل توسط طالبان، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تصمیم به ایجاد «تیم مکتب خانگی» گرفت تا از این طریق به افراد دارای معلولیتی که در وضعیت بغرنجی به‌سر می‌برند زمینه آموزش و تحصیل را مهیا کند. بعد از تطبیق نخستین برنامه «آموزش خانگی» صلیب سرخ در کابل، این برنامه

روژه آموزگاری است که عاشق کارش است. آرزو ابراهیمی سال ۱۳۹۵ از دانشکده‌ی روان‌شناسی دانشگاه کابل فارغ شد و به برنامه آموزش خانه‌به‌خانه افراد دارای معلولیت صلیب سرخ پیوست: «وقتی به این برنامه پیوستم استرس داشتم، چون کار در چنین محیطی را تجربه نکرده بودم. نخستین هدفی که برایم تعیین کردم تغییر ذهنیت افراد دارای معلولیت بود. کم‌کم با شاگردانم انس گرفتم و حالا یک خانواده‌ایم.»

گذشت نیم دهه از فعالیت آرزو ابراهیمی، او حالا به حدی عاشق برنامه آموزش خانگی صلیب سرخ شده است که گاهی اوقات حساب روزهای هفته از دستش در می‌رود: «برنامه آموزش خانگی صلیب سرخ از نظر مالی و اقتصادی برای آموزگاران کافی نیست. اما تلاش دارم به افراد دارای معلولیت کمک کنم. یکی از روزها در تقسیم اوقات اشتباه کرده به‌جای رفتن به خانه یک شاگرد به خانه دیگری رتم شاگرد به من گفت استاد امروز همراهت درس ندارم آن وقت متوجه شدم که تقسیم اوقات را اشتباه کردم. اما وقتی نمی‌توانم به درس بروم شاگردان تماس می‌گیرند.»

هشت سال از پیوستن جلال‌الدین به برنامه «آموزش خانگی» افراد دارای معلولیت صلیب سرخ می‌گذرد. او در این مدت مشقت‌های زیادی را تجربه کرده است: از رفتن به جاهای صعب‌العبور و حومه شهر مثل تپه کچالو تا آموزش‌دادن شعب و ادریس در منطقه خلوت و فقیرنشین لبرج خیرخانه. جلال‌الدین لیسانس کمپیوتر دارد و اقتصاد را تا مقطع لیسانس در یک دانشگاه خصوصی خوانده است. او می‌گوید از سال ۲۰۱۲ وقتی به این برنامه پیوست تا حالا با اشتیاق وظیفه‌اش را پیش برده و حاضر است آن را ادامه بدهد: «خدمت به کودکان دارای معلولیت خدمت به

آموزگاران «آموزش خانگی» صلیب سرخ فرا گرفته است. این روزها آرزو ابراهیمی آموزگار است و راه طولانی را می‌پیماید تا به خانه وحیده می‌رسد. امید وحیده به زندگی در حال جوانه زدن است: «رفت‌وآمد به صلیب سرخ مرا به فیزیوتراپی علاقه‌مند کرده و دوست دارم فیزیوتراپ شوم، اگر نشد می‌خواهم روان‌شناسی بخوانم.»

دسترسی افراد دارای معلولیت، به‌ویژه کودکان به آموزش در افغانستان کار آسانی نیست، هرچند ممنوعیت قانونی از پیوستن این کودکان در مکاتب دولتی و خصوصی عادی وجود ندارد، اما نگاه تبعیض‌آمیز جامعه و نبود امکانات رفت‌وآمد باعث می‌شود به‌راحتی کودکان دارای معلولیت جسمی از آموزش محروم شوند. مراکز ویژه آموزش برای افراد دارای معلولیت در افغانستان نیز محدود، دست‌نارس و فاقد امکانات لازم است.

چهار سال پیش شعب و ادریس به برنامه «آموزش خانگی» صلیب سرخ پیوستند؛ ادریس آموزشش را از صنف دوم که بنا بر ازدیاد مشکلاتش ترک کرده بود پی گرفت و حالا به صنف ششم رسیده و شعبی بعد از آن که صنف چهارم را به دلیل از دست‌دادن حرکات پایش رها کرده بود، ادامه داده و اکنون دانش‌آموز صنف هشتم است: «سه تا معلم خیلی مهربان داریم و صددرصد از استادان خود راضی‌ایم هر قدر خواهیم درس را تشریح می‌کند. ما هم شب تا ساعت ۹ درس می‌خوانیم.»

## آموزگاران عاشق کار

وقت برای دیدن وحیده ۱۳ ساله پیچ‌وخم کوچکی پیش‌کوه‌های محله‌نشین چهارراهی بره‌کی کابل را طی کردم، برای همان یک روز احساس خستگی کردم، اما این کار هر

د افغانستان اسلامي جمهوریت  
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

د کهرنی او بولگولو مالداري وزارت  
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

معینیت مالی واداری  
ریاست تهیه و تدارکات  
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

« تعدیل در میعاد اعلان داوطلبی پروژه { تدارک ۱۱۰۰۰۰ لیتر تیل دیزل و ۹۰۰۰۰ لیتر تیل پترول مورد ضرورت وسایط نقلیه و ماشین آلات وزارت } »

قبلاً ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري پروژه { تدارک ۱۱۰۰۰۰ لیتر تیل دیزل و ۹۰۰۰۰ لیتر تیل پترول مورد ضرورت وسایط نقلیه و ماشین آلات وزارت تحت داوطلبی شماره -MAIL/PD/NC/B/G-4/1400/Rebid } را به اعلان داوطلبی سپرده که قرار بود جلسه آفرگشائی آن به تاریخ {۲۴/۱۲/۱۳۹۹} برگزار گردد، اما درمدت اعلان پروژه تمدید وارد گردیده است.

بناء به اطلاع داوطلبان واجد شرایط می‌رساند تا در پروسه داوطلبی پروژه متذکره اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرزالعمل تدارکات عامه الی ساعت {۱۰:۰۰} قبل از ظهر روز {چهارشنبه} مورخ {۰۴/۰۱/۱۴۰۰} ارایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمی‌باشد. تضمین آفر مبلغ {۲۲۰,۰۰۰} دو صدو بیست هزار افغانی طبق شرطنامه و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه) میباشد.

آدرس مکان جلسه: دفتر جلسات آفرگشایی، منزل دوم تعمیرحفظ و مراقبت عقب ریاست منابع بشری، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

داوطلبان میتوانند اسناد مکمل داوطلبی را از وبسایت NPA.GOV.AF داونلود نمایند، در صورت عدم داونلود از وبسایت، داوطلبان می‌توانند شرطنامه را در سی دی یا فلش دیسک از امریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی ریاست تهیه و تدارکات واقع تعمیر معینیت مالی واداری، منزل اول به شکل رایگان بدست آورند.

د افغانستان اسلامي جمهوریت  
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

د کهرنی او بولگولو مالداري وزارت  
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

معینیت مالی واداری  
ریاست تهیه و تدارکات  
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

« تعدیل در میعاد اعلان داوطلبی پروژه { تدارک، انتقال و توزیع ۳۰۰ متریک تن تخم بذری شالی برای ۱۳ ولایت کشور تحت دولات } »

قبلاً ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري پروژه { تدارک، انتقال و توزیع ۳۰۰ متریک تن تخم بذری شالی برای ۱۳ ولایت کشور تحت دولات تحت داوطلبی شماره -MAIL/PD/NCB/G33-01,02/1400 } را به اعلان داوطلبی سپرده که قرار بود جلسه آفرگشائی آن به تاریخ {۲۳/۱۲/۱۳۹۹} برگزار گردد، اما درمدت اعلان پروژه تمدید وارد گردیده است.

بناء به اطلاع داوطلبان واجد شرایط می‌رساند تا در پروسه داوطلبی پروژه متذکره اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرزالعمل تدارکات عامه الی ساعت {۱۰:۰۰} قبل از ظهر روز {سه‌شنبه} مورخ {۰۳/۰۱/۱۴۰۰} ارایه نمایند، آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمی‌باشد. تضمین آفر برای لات اول مبلغ {۳۲۰,۰۰۰} سه صدو بیست هزار افغانی و تضمین آفر برای لات دوم مبلغ {۲۲۰,۰۰۰} دو صدو بیست هزار افغانی و برای مجموع هردو لات مبلغ {۵۴۰,۰۰۰} پنجصدو چهل هزار افغانی طبق شرطنامه، و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه) میباشد.

آدرس مکان جلسه: دفتر جلسات آفرگشایی، منزل دوم تعمیرحفظ و مراقبت عقب ریاست منابع بشری، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري

داوطلبان میتوانند اسناد مکمل داوطلبی را از وبسایت NPA.GOV.AF داونلود نمایند، در صورت عدم داونلود از وبسایت، داوطلبان می‌توانند شرطنامه را در سی دی یا فلش دیسک از امریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی ریاست تهیه و تدارکات واقع تعمیر معینیت مالی واداری، منزل اول به شکل رایگان بدست آورند.

## از دوحه به آنکارا؛

# آیا امریکا سناریوی واقع بینانه تری روی دست گرفته؟



### عباس عارفی

طرح حکومت مشارکتی صلح که از سوی وزارت خارجه امریکا به حکومت افغانستان، رهبران سیاسی در کابل و رهبران گروه طالبان در دوحه پیشکش شده، تاکنون واکنش‌های گسترده و متنوع را در داخل افغانستان و منطقه در پی داشته است. عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی از این طرح استقبال کرده و امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری آن را «سند بردگی» عنوان کرده است. گروه طالبان، اما هنوز واکنش نشان نداده است.

طرح حکومت مشارکتی صلح و همزمان نامه‌ی هشدارآمیز آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا به رییس جمهور غنی و عبدالله عبدالله در هفته‌ی گذشته، پروسه صلح افغانستان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. طوری که در سطح منطقه‌ای نیز در قبال پروسه صلح افغانستان تحرک ایجاد کرده است، روسیه از حکومت افغانستان، رهبران سیاسی و نمایندگان گروه طالبان دعوت کرده که در نشست در مسکو برونند. در این میان عمده‌ترین پرسش که خلق می‌شود این است که در صورت پافشاری امریکا بر عملی شدن این طرح و روی کار آمدن پروسه جدیدی در ترکیه با اشتراک سطح بلند مذاکره کنندگان، آیا پروسه دوحه کنار گذاشته می‌شود؟

### سناریوی واقع بینانه تر

دکتر محمدموسی جعفری، پژوهشگر و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با اطلاعات روز می‌گوید که کنار گذاشتن پروسه دوحه اهمیت چندانی ندارد. چرا که مذاکرات دوحه در راستای توافق نامه امریکا و طالبان ایجاد شد و بیش از این که هدف آن رسیدن به توافق صلح میان طرفین افغانی باشد، تحقق بخشی از توافق نامه امریکا و طالبان است که اهمیت دارد: «مسئله اصلی این است که مسیر صلح افغانستان آیا با مذاکرات بین‌الافغانی میسر می‌شود؟ که در این مورد پاسخ من منفی

معضلات افغانستان به‌عنوان مشکلات برخاسته از فرهنگ و مردم افغانستان خواهند نگرینست و در صدد مختصر کردن حمایت‌ها از حکومت کابل برآمده و به مقایسه ترمپ، جو بایدن برای حل معضلات افغانستان به‌زعم خودش رادیکال‌تر عمل خواهد کرد.»

آقای اوغلی در پاسخ به این پرسش که چرا پروسه دوحه پیشرفت نداشته است، می‌گوید هیأت مذاکره‌کننده دولت وظیفه داشت که بر این پیچیدگی‌های جنگ و صلح افغانستان فایق آیند که متأسفانه آن‌ها نتوانستند: «دلایل ناکامی آن‌ها شاید ظرفیت پایین تعدادی از آن‌ها برای طولانی شدن مذاکرات جهت اخذ معاشات بلند از سوی دیگر بوده باشد. از آنجایی که مردم می‌دانند تعدادی از مذاکره‌کنندگان فرزندان و یا وابستگان انگل‌های سیاسی قومی‌اند و زبان طالب را که بیشتر با آیات و احادیث، هر عمل خود را در افغانستان توجیه می‌کنند، نمی‌دانند. این مسأله بر نمایندگان طالبان که فکر می‌کنند امریکا را شکست داده‌اند، غرور کاذب بخشیده تا حضور نمایندگان دولت را زیاد جدی نگرفته و مسائل مطرح‌شده در دوحه را قبل از اعلام سیاست رییس‌جمهور جدید امریکا، اثرگذار نخوانند.»

محمداکرام اندیشمند، نویسنده و پژوهشگر در گفت‌وگو با اطلاعات روز، می‌گوید که امریکایی‌ها از طولانی شدن و بی‌نتیجه بودن مذاکرات بین‌الافغانی ناراض و ناامید شده‌اند. این مذاکرات مطابق چارچوب زمانی توافق نامه امریکا و طالبان پیش نرفته است: «درحالی‌که امریکایی‌ها امیدوار بودند که با عملی شدن گام به گام مراحل توافق نامه دوحه راه را برای ترک افغانستان هموار می‌کند. اما این گونه نشد. حالا هم بدون تردید مذاکرات قطر لغو نمی‌شود، اما امریکایی‌ها دیگر در انتظار نتیجه این مذاکرات نمی‌نشینند.»

شرط‌های که گذاشته، حاضر نیست از حکومت پنج ساله خود دست بکشد و به هیچ صورت حاضر به انعطاف نیست. بنابراین پیام نامه وزیر خارجه امریکا این است که رییس‌جمهور را تحت فشار قرار دهد تا از موضع خودش کوتاه بیاید.» دکتر عارفی معتقد است که پروسه دوحه اگر ادامه هم یابد، باز هم به نتیجه نخواهد رسید. چرا که طرف‌های منازعه و به‌خصوص طرف طالبان که ناامین کننده کشور هستند، به بن‌بست در جنگ و منازعه نرسیده است: «در بحث صلح‌سازی یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌ها برای رسیدن به توافق صلح این است که دو طرف به بن‌بست جنگ و منازعه رسیده باشند. اما در شرایط کنونی طالبان از اقتصاد جنگی سود می‌برند. بنابراین هیچ نوع چشم‌انداز مثبت و امیدوارکننده وجود ندارد که پروسه دوحه به نتیجه برسد.»

از نظر دکتر عارفی، پیچیدگی دیگری که در جنگ افغانستان وجود دارد این است که حکومت برخورد قاطع و سرکوب‌گرانه در برابر طالبان ندارد: «بلکه طالبان را به‌عنوان ابزار در مقابل ائتلاف شمال و در مقابل اردوی ملی که به‌زعم حامد کرزی این نهاد ملی نبود، چرا که اکثریت نیروهای این نهاد امنیتی را غیرپشتون‌ها تشکیل می‌داد. بنابراین کرزی نه تنها طالبان را به‌طور قاطعانه سرکوب نکرد، بلکه در مواردی حمایت هم کرد.»

## عزیزی بانک

### شمولیت داکتر محمد سالم امید در مجمع جهانی رهبران جوان



عزیزی بانک با کمال خرسندی به اطلاع شما می‌رساند که داکتر محمد سالم امید رئیس اجرایی عزیزی بانک در سال 2021 شامل مجمع رهبران جوان جهانی (Young Global Leader Forum) شده است که توسط مجمع جهانی اقتصاد (World Economic Forum) اداره می‌شود. این دستاورد نتیجه تعهد و خدمات‌گذاری آقای

امید به افغانستان و همچنان به دنبال بررسی‌های گسترده مشخصات علمی و اعتبارنامه‌های وی و مصاحبه‌های مرتبط با هیئت مجمع جهانی اقتصاد (World Economic Forum) است. مجمع رهبران جوان جهانی (Young Global Leader Forum) توسط یک هیئت بسیار مجرب رهبری می‌شود که ایده‌ها و نظریات آنها به موفقیت و پیشرفت جامعه کمک میکند. مجمع رهبران جوان جهانی راه حل‌های چالش‌های جهانی را از طریق موندل‌های جدید همکاری عمومی-خصوصی سرعت می‌دهد. آنها پل‌هایی را میان سکتورهای کشورها و اینتلوژن‌های برای اعتماد سازی در شکاف‌های فعلی ایجاد خواهند کرد. آنها در آموزش و تفهیم سرمایه‌گذاری خواهند کرد که به رهبران کمک میکنند تا درک عمیق از چالش‌های اصلی پیش روی بشریت داشته باشند. این مجمع شامل شخصیت‌های جهانی از جمله سناتورهای، وزرا، مقامات ارشد دولتی، شخصیت‌های ورزشی، هنرمندان با استعداد و رهبری ارشد از شرکت‌های جهانی می‌باشد. داکتر محمد سالم امید برای برنامه‌ریزی استراتژی‌های مختلف در مورد چالش‌های جهانی و تطبیق آن تا 5 سال آینده با هیئت رهبران جهانی همکاری نزدیک خواهد داشت. بخاطر این دستاورد بزرگ به تمام ملت عبور افغانستان و آقای محمد سالم امید مبارکباد می‌گوئیم و موفقیت‌های بیشتر برای شما آرزو می‌نماییم.

خواندن توانستن است

## فروش ویژه

شروع سال تحصیلی ۱۴۰۰ با کتاب‌های کمک آموزشی هشت پا

### ویژه کودکان و مکاتب از صنف اول الی صنف هشتم

انتشارات کودکان؛ ناشر پیشرو در انتشار کتاب و مواد آموزشی برای کودکان و مکاتب

فروشگاه مرکزی: کارن، کارن ۴، چهارراه بل سرخ، مارکت تجاری ملی، مجتمع کتابستان منزل اول، انتشارات و فروشگاه کودکان  
 ۰۷۴۹۹۲۳۲۳ - ۰۷۴۹۹۲۳۱۰۸ - ۰۷۶۳۳۴۰۲۰ - ۰۷۶۳۳۳۰۹۴

ادرس نمایندگی‌های ولایات

- نمایندگی ۱: مزار شریف: جاده زینت‌الوجه، مانا، ابراهیم، نزدیک مدرسه سلطانیه، پوشتان فرهنگي، بلقيا ۰۷۸۳۱۸۱۰۰۰۰ | ۰۷۸۳۱۸۱۸۹۹
- نمایندگی ۲: مزار شریف: نمایندگی بین‌المللی دامر کتاب معارف، مقابل کتابفروشی بهمنی | ۰۷۷۹۱۰۰۰۰۰۰۰۰ | ۰۷۷۹۱۰۰۰۰۰۰۰۰
- نمایندگی ۱: هرات: جبرئیل، چهارده منری، بالا، دوروی سوبر گولا، کتابسرای جعفری | ۰۷۸۳۸۴۹۸۱۳ | ۰۷۸۳۸۴۹۸۱۳۳
- نمایندگی ۲: هرات: چوک گناه، جنب کتابخانه جامع، انتشارات فرهنگی | ۰۷۷۶۶۵۷۸۰۰۰ | ۰۷۷۶۶۵۷۸۱۰۰۰
- نمایندگی: بامیان: بازار دامیان، موز مارکت، سبزی و میوه فروشی، کتابفروشی معرفت | ۰۷۳۰۳۳۰۰۰۰ | ۰۷۶۴۰۰۰۰۰۰